

مبانی و اصول فکری - فرهنگی تشکلهای اسلامی نوگرا پس از شهریور ۱۳۲۰

فریده باوریان^۱

چکیده

با تبعید رضاشاه در دهه ۱۳۲۰، فضای آزادی بر کشور حکمفرما شد که مجالی فراخ و ارزشمند را برای بازگشت نیروهای مذهبی به عرصه حیات سیاسی - اجتماعی فراهم آورد؛ فرصتی که به آنان اجازه داد، همچون جریانهای چپ و ملی‌گرا، آسیب‌های دوره زمامداری رضاشاه را ترمیم کرده و فعالیت‌های خود را از سر بگیرند. با توجه به اهمیت جریان اسلامگرا، پژوهش حاضر سعی دارد با رویکردی تاریخی و استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، به واکاوی مبانی و اصول فکری-فرهنگی بخشی از این جریان گسترده بپردازد. این بخش که موسوم به «جریان اصلاح‌طلب دینی» است در قالب تشکلهای اسلامی نوگرا تجلی یافته‌اند. تشکلهایی که محصول اندیشه این طیف در عرصه تحولات پرتنش سیاسی-اجتماعی ایران در آن برهه بودند. یافته‌های پژوهش، با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، اسنادی و نشریات، نشان می‌دهد: این تشکلهای با اولویت‌دادن به فعالیت‌های فرهنگی، سعی کردند تا درخور نیازمندی‌های جهان آن روز به‌ویژه دنیای اسلام رسایل، روزنامه‌ها و مجلات دینی را در دسترس عامه قراردهند و دعوت و تبلیغ اسلامی را با مقتضیات زمان وفق دهند و بدین‌وسیله، ضمن احیای آداب و سنن کم‌رویی مذهبی، به مقابله با اشکال مختلف بی‌دینی و جدال با استبداد و استعمار بپردازند.

کلیدواژگان: جریان اصلاح‌طلب دینی، رضاشاه، استعمار، استبداد، فعالیت فرهنگی.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.

Intellectual and Cultural Foundations and Principles of Modernist Islamic Organizations after September 1941

Faride bavaryan¹

Abstract

With the exile of Reza Shah in the 1940s, a climate of freedom prevailed in the country, providing a broad and valuable opportunity for the return of religious forces to the political and social arena. An opportunity that allowed them, like the leftist and nationalist movements, to repair the damages of Reza Shah's rule and resume their activities. Considering the significance of the Islamist movement, the present study seeks, through a historical approach and using a descriptive-analytical method, to examine the intellectual and cultural foundations and principles of a portion of this broad movement. This segment, known as the "religious reformist movement," has manifested itself in the form of modernist Islamic organizations. Organizations that were the product of this group's thought in the arena of Iran's tense political and social developments during that period. The findings of the research, utilizing library, documentary, and periodical resources, indicate that: Prioritizing cultural activities, these organizations sought to make religious pamphlets, newspapers, and magazines accessible to the general public, especially in the Islamic world, in accordance with the needs of the world at that time. They also aimed to adapt Islamic advocacy and propagation to the requirements of the era. In doing so, while reviving the customs and traditions of religious modesty, they addressed various forms of irreligion and combated despotism and colonialism.

Keywords: Religious reformist movement, Reza Shah, colonialism, despotism, cultural activity.

1. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Theology and Islamic Studies, University Ilam, Ilam, Iran

مقدمه

در دهه ۱۳۲۰ جامعه ایران شاهد سه جریان عمده سیاسی- ایدئولوژیک با هویت‌ها، ویژگی‌ها و سرنوشت خاص بود که از نظر ترتیب زمانی، خط‌مشی و جهت‌گیری‌های سیاسی متنوع بودند. نخستین حرکت مربوط به «نیروهای چپ‌گرا» بود که در دهم مهر ۱۳۲۰ به تشکیل «حزب توده» دست زدند. با فعالیت توده‌ای‌ها افکار کمونیستی و ماتریالیستی از مسائل مهمی بود که در محافل مختلف دینی، اجتماعی و سیاسی مورد توجه قرار گرفت؛ و صریحاً اذهان جامعه و بالأخص جوانان را در معرض تهدید قرار داد. دومین حرکت در واکنش به فعالیت‌های حزب توده و شرایط آن زمان جامعه ایران، «اندیشه ملی‌گرایی» بود. حرکتی غیرمذهبی و نه ضددینی که با تشکیل «جبهه ملی» به صورت بارزی خودنمایی کرد. درنهایت، به موازات دو جریان مذکور که خمیرمایه فکری آن‌ها را بینش‌ها و ایدئولوژی‌های غیرمذهبی تشکیل می‌داد، سومین حرکت که با تأخیر احیا شد، «جریان اسلام‌گرا» بود. حرکتی با ویژگی‌های خاص که اولین واکنش مردم ایران را در تقابل با رخداد ناگهانی شهریور ۱۳۲۰ تشکیل داد؛ اما این جریان در بطن خود تقسیم‌بندی‌هایی داشت که از همان ابتدا مسیرهای کاملاً متفاوتی را پیمودند. بخشی از این طیف یک «جریانی اصلاح‌طلب» بود که بسیاری از شئون اجتماعی و سیاسی را متأثر کرد و بستری برای انعقاد نطفه «نوگرایی دینی» در ایران نهاد. این جریان بانیان سه تشکل اسلام‌گرای معروف این دهه، یعنی «جامعه تعلیمات اسلامی»، «انجمن تبلیغات اسلامی» و «اتحادیه مسلمین»، بودند. آنان تفکرات سیاسی- اجتماعی خود را در قالب این تشکل‌ها در جامعه بروز دادند. نفوذ فکری این گروه فراتر از نیروهای روحانی بود و روشنفکران دانشگاهی را نیز تحت تأثیر قرارداد. در این تشکل‌ها، پیوند سه‌گانه روحانیان، بازاریان و روشنفکران مذهبی شکل مدرن و جدیدی به خود گرفت. این ساختار به این بخش از جریان اسلام‌گرا امکان داد تا در این دهه پرتنش آرمان‌های مذهبی خود را عملی سازند و سنت را به شیوه‌ای نو بازتعریف نمایند. باتوجه به تأثیرات مهم فکری- فرهنگی این تشکل‌ها، بررسی مبانی و اصول ایدئولوژیک آن‌ها ضروری می‌نماید؛ چراکه این اصول نشان‌دهنده تأثیرگذاری «جریان اصلاح‌طلب دینی» در آن دوره

پرتنش است. بر همین اساس این پژوهش به دنبال بررسی مبانی و اصول فکری-فرهنگی تشکلهای مذکور و تأثیرات آنها در جامعه آن دوره است.

پیشینه پژوهش

درباره تشکلهای اسلامی نوگرا مطالعات محدودی صورت گرفته است. چنانکه کتاب «جریانها و جنبشهای مذهبی سیاسی ایران» اثر رسول جعفریان در ذیل مباحث اصلی به ذکر شمه‌ای از فعالیت این تشکلهای پرداخته است؛ اما پاره‌ای از پژوهش‌ها چون «حاج سراج انصاری ستاره‌ای درخشان در عرصه مطبوعات دینی» اثر رسول جعفریان، «حجت‌الاسلام حاج شیخ عباسعلی اسلامی به روایت اسناد ساواک» چاپ مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، «جامعه تعلیمات اسلامی، آیت‌الله شیخ عباسعلی اسلامی و نقش ایشان در انقلاب اسلامی» تألیف حمید کرمی‌پور به صورت مستقل به بررسی شخصیت و اندیشه بنیان‌گذاران این تشکلهای اسلامی پرداخته‌اند و قاعدتاً در آنها بحث‌هایی درخصوص تشکلهای مذکور صورت گرفته است. کرمی‌پور، همچنین در مقالات «جامعه تعلیمات اسلامی پیش‌زمینه تأسیس دانشگاه اسلامی»، «جامعه تعلیمات اسلامی، گوشه‌ای از فعالیت‌های فرهنگی نیروهای مذهبی در عصر پهلوی»، «نیروهای مذهبی معارف (آموزش) نوین در دهه ۱۳۲۰ با تأکید بر عملکرد مؤسسه جامعه تعلیمات اسلامی» نقطه تمرکزش بر بررسی وضعیت علمی و کیفیت مدارس این جامعه، اساسنامه آن و چرایی حضور فعال نیروهای مذهبی در عرصه آموزش در ایران دهه ۱۳۲۰ است. وی در مقاله‌ای دیگر با عنوان «اتحادیه مسلمین» ضمن گریزی بر تأسیس و فعالیت اتحادیه، درصدد اثبات این فرضیه است که اسناد مورد استفاده مجموعه نامه‌ها، صورت‌جلسه‌ها و گزارش‌هایی است که در ماهنامه مسلمین ارگان اتحادیه چاپ شده است. «جامعه تعلیمات اسلامی و اسناد منتشرنشده آن» اثر ابوالفتح مؤمن، نیز با مروری بر زندگی عباسعلی اسلامی به نحوه تشکیل جامعه تعلیمات پرداخته و نقطه تمرکزش بر شعبه همدان است؛ بنابراین تاکنون پژوهش مستقلی که اصول و مبانی فکری-فرهنگی تشکلهای مزبور را به صورت جامع بررسی کرده باشد، یافت نشده است. از این رو وجه تمایز و نوآوری پژوهش حاضر

نسبت به پژوهش‌های دیگر در این است که این تحقیق با نگاهی متفاوت نسبت به پژوهش‌های پیشین درصدد است تا به شکل جامع، مبانی فکری و روند فعالیت‌های فرهنگی این تشکلهای غبارآلود پس از شهریور ۱۳۲۰ مورد بررسی قرار دهد.

برجسته‌ترین نیروهای جریان اسلام‌گرا در دهه ۱۳۲۰

دهه ۱۳۲۰ را به‌درستی می‌توان یکی از پیچیده‌ترین مقاطع تاریخ معاصر ایران توصیف کرد. در چنین شرایطی، جریان اسلام‌گرا با مجموعه‌ای از اعتقادات مشخص و فرهنگ سیاسی خاص، تأثیرات مهمی در عرصه سیاسی-اجتماعی ایران نهاده است؛ به‌طوری که همواره در دوران معاصر، از این جریان به‌مثابه یک طیف فکری-سیاسی گسترده و تأثیرگذار یاد می‌شود. اگرچه در میزان تأثیرگذاری این مسئله نظرات متفاوتی نیز ابراز شده است، اما تمام این گرایش‌های متفاوت، در پذیرش ضرورت نفوذ سیاسی-اجتماعی اسلام در جامعه همسو می‌باشند. به‌طور کلی نیروهای عمده جریان اسلام‌گرا را در این مقطع تاریخی نمی‌توان به‌طور دقیق تقسیم‌بندی کرد، اما می‌توان آن‌ها را براساس نگاهشان به منبع تشریح اسلام راستین، تفسیر نابشان از اسلام و مشی مبارزاتی متفاوتشان با واژه‌های متنوع «اصول‌گرا»، «نوگرا»، «سنت‌گرا»، «بنیادگرا»، «رادی‌کال»، «محافظه‌کار» و «میان‌رو» به گروه‌های متفاوتی دسته‌بندی کرد. هرچند گروه‌های جریان اسلام‌گرا، در کلیت هدف‌هایی چون مبارزه با استعمار، استبداد و غیره دارای اشتراکاتی بوده‌اند، لکن از نظر مبانی اندیشه‌ای اختلافات مهم فکری داشته‌اند (فوزی، ۱۳۸۸: ۱/۱۳۵-۷۵).

در میان اسلام‌گرایان دهه ۱۳۲۰ از یک‌سو با دو طیف تحصیل‌کرده غرب‌گرا مواجه هستیم که بخشی از آنان «روشنفکران سوسیالیست مسلمان» یا همان «نهضت خدایپرستان سوسیالیست» بودند که هسته آنان بر محور فعالیت‌های «محمد نخشب» به همراه «حسین راضی» در سال ۱۳۲۲ بنیان نهاده شد. در این مسیر عده‌ای از جوانان مذهبی، دانشجویان دانشگاه تهران و دانش‌آموزان دبیرستان‌های علمیه، دارالفنون (نجاتی، ۱۳۷۷: ۱۵۵) و انجمن اسلامی امیرکبیر آنان را همراهی می‌کردند. نخشب که هم‌زمان وجهه‌ای سیاسی-فکری داشت، اولین ایرانی بود که برای پیوند سوسیالیسم اروپایی با مذهب تشیع تلاش می‌کرد. او

با تشکیل حزب مذکور می‌کوشید تا بر پایه استنباطی تازه از اسلام، گونه‌ای مشی مذهبی - انقلابی ایجاد نماید و به پیوند بینش اسلامی با تفکرات چپ مدرن بپردازد تا بدین‌وسیله اسلام را با استفاده از فرضیات سوسیالیسم نوسازی کند (جعفریان، ۱۳۹۱: ۹۳). در کنار این طیف باید از «روشنفکران لیبرال مذهبی» نام برد که حول گفتمان آزاد محوری، «مهدی بازرگان» در ایران پا به عرصه نهادند. آنان که از لیبرالیسم اروپایی تأثیر پذیرفته بودند، با مبنا قراردادن علوم جدید کوشش کردند به تشریح و تأویل علمی جدید دین اسلام بپردازند و بستری برای سازگاری ضروریات نو و علوم و فنون جدید با دین اسلام ارائه دهند تا جایی که بازرگان در همه تألیفاتش درصدد تأیید مشروعیت اسلام و سازگاری آن با دانش و دستاوردهای علمی بشر بود (فوزی، ۱۳۸۸: ۱۰۶)؛ اما در کنار این طیف در فضای جدید، حرکت اسلامی در دو سطح دیگر فعال بود، یکی در سطح مراجع، آیات و علمای دینی که تلاش و فعالیت روزافزون در سیاست داشتند و در پی احیای ارزش‌های دینی بودند و دوم طیفی که در سطح تشکیل انجمن‌ها، اتحادیه‌ها فعالیت داشتند (دارابی، ۱۳۹۰: ۷۰).

در سطح اول به‌عنوان جریان اصلی، پیشگام مبارزه سیاسی علیه کفر و بی‌دینی در ایران «فدائیان اسلام» به رهبری «نواب صفوی» بودند که با انگیزه دینی وارد مسائل سیاسی - اجتماعی شده بودند (مقصودی، ۱۳۸۶: ۲۴۵-۲۴۶). این تشکیلات به‌طور عمده متکی به طبقات متوسط پایین شهری و پیشه‌وران جزء بودند، آنان نه با دانشگاه و دانشجویان ارتباط داشتند و نه آن را ضروری می‌دانستند (یزدی، ۱۳۸۲: ۱۸). فدائیان که نخستین بار به‌طور جدی بحث حکومت اسلامی را مطرح کردند، صرفاً یک جریان فکری نبودند؛ بلکه بیشتر یک گروه مذهبی عمل‌گرا محسوب می‌شدند (دارابی، ۱۳۹۰: ۷۲). آنان به‌معنای وسیع کلمه غیرروشنفکر بودند، امری که نسبتاً این حزب را در قبال اختلافات داخلی مصون می‌ساخت (عنایت، ۱۳۸۰: ۱۷۶). باوجودی که فدائیان نه صاحب اندیشه روشن و منسجمی بودند و نه حیات سیاسی طولانی داشتند، اما به‌عنوان جریان اصلی این طیف، پیشگام مبارزه سیاسی علیه کفر و بی‌دینی در ایران بودند (مقصودی، ۱۳۸۶: ۲۴۵-۲۴۸).

اما در کنار فدائیان، یک جریان فرعی مهمی وجود داشت که این جریان مربوط به «علما و روحانیون مدافع نهضت ملی به رهبری آیت‌الله کاشانی» بود (امینی، ۱۳۸۱: ۲۰۰). در آن

شرایط ویژه سیاسی-اجتماعی، ملی شدن صنعت نفت به عنوان هدفی مشترک توانست بخش مهمی از علمای شیعه را به عرصه فعالیت های فکری سیاسی بکشانند یا لاقلاً آنها را نسبت به مسائل جاری کشور به عکس العمل وادارد. در این زمان فتوایی که آیت الله کاشانی صادر کرد، چون نهضت یک قیام ضد استعماری تلقی شد، مرجعیت دینی نتوانست نسبت به آن بی تفاوت بماند؛ بنابراین آشکارا در تأیید فتوای وی اعلامیه هایی صادر کردند. البته در این جنبش با مواضع متفاوتی از سوی علما و روحانیون مواجه هستیم. امری که نشان از تنوع فکری آنها در آن برهه تاریخی دارد (باوریان، ۱۳۹۵: ۴۵-۴۷). نهایتاً در فضای جدید با نیروهای مذهبی اصلاح طلب مواجه هستیم که ضمن اعتقاد به اصول دین و مذهب، در پی اصلاح آنها و از بین بردن انحرافات دینی بودند. جریانی که با سایر جریان ها چون مدرنیته و متعلقات آن روشنفکری، مدعیان اصلاح دین چون شریعت سنگلجی و پاک دینی کسروی و در نهایت بنیادگرایان دینی مرزبندی شفافی داشتند (حاضری و حاجی هاشمی، ۱۳۹۶: ۴۳). طیف مذکور که در کنار فعالیت های سیاسی آرام، به فعالیت های فرهنگی-اجتماعی بارزی روی آوردند، عمده ترین فعالیتشان را در قالب انجمن ها، اتحادیه ها و نشریات انجام دادند. باتوجه به اینکه هدف اصلی این پژوهش بررسی ماهیت فعالیت آنها در قالب تشکلهای دینی است که تأسیس نمودند، در ذیل به صورت مبسوط فعالیت های فرهنگی و اصول و مبانی فکری آنان را در قالب سه تشکل متفاوت مورد بررسی قرار می دهیم.

جریان اصلاح طلب دینی

این جریان فکری یک پدیده نوظهور محسوب نمی شد، بلکه ریشه های عمیق فکری و اجتماعی آن را باید در اواخر دوران سلطنت ناصرالدین شاه جستجو کرد. باوجود این پیشینه، فضای سیاسی و اجتماعی خاصی که در طول دهه ۱۳۲۰ حاکم شد، به عنوان یک عامل کلیدی و مؤثر، زمینه را برای ظهور دوباره و تقویت مجدد این جریان فکری فراهم ساخت. طیف مذکور با تبعید رضاشاه از کشور، در تجدید فعالیت خود به جبران عصر خفقان آمیز او، می خواستند سنن دینی را گسترده تر و باشکوه تر از گذشته برگزار نماید و هدفی جز ترویج شعار دینی در همه صحنه های زندگی و تبلیغ آداب و سنن رایج و احیاناً متروک

مذهبی نداشتند. حرکت آنان به صورت خودانگیخته در نظم‌دهی به مناسک مذهبی، شکوفایی مساجد و شروع خطابه‌های دینی شکل گرفت. یک نهضت بیداری که به دنبال بسط اسلام‌خواهی و احیاء مجدد اندیشه اسلامی در میان ایرانیان بود. این جریان جهت رسیدن به اهداف خویش در دو عرصه سیاسی و فرهنگی به مبارزه پرداخت تا در منازعه با قدرت سیاسی حاکم و در بستر ستیز با استعمار خارجی نیز وارد عرصه شوند و در نهایت موانع اجرای شریعت را از سر راه بردارند (یوسفی‌اشکوری، ۱۳۷۶: ۱۸۳/۱).

لکن باوجود انجام فعالیت‌های سیاسی، تنها بخش کوچکی از آنها به عرصه سیاست روی آوردند و قاطبه جریان اصلاح‌طلب و حتی روحانیون، دین و سیاست را از هم جدا می‌دانستند و به شدت مخالف سیاست بودند (یزدی، ۱۳۸۶: ۷۸). این جریان با احیای مجدد دین در جامعه، امواجی از سرزندگی را به صورت خودجوش به شکل یک نهضت فرهنگی-فکری در جامعه برانگیخت که به هیچ جریان، گروه یا حزب بارزی متعلق نبود؛ بلکه عکس‌العملی خودانگیخته و توده‌ای، از سوی قشرهای مختلفی از روشنفکران، دانشجویان مذهبی، تاجران، کاسبان بازار و روحانیان، با همراهی ارادی و آگاهانه مردم بود که حداکثر جنبه تبلیغاتی-فرهنگی داشت (بازرگان، ۱۳۷۵: ۳۷۲/۱ و بازرگان، ۱۳۸۷: ۲۶۷/۱۶-۲۶۴).

طیف مذکور که در قالب فعالان انجمن‌ها، اتحادیه‌ها و نشریات، قابل ذکر هستند، شامل برخی از متدینین روحانی و غیرروحانی سراسر کشور و معدود دانشگاهیان و بازاریان مؤمنی بودند که اعتقاد داشتند تبلیغ به شیوه سنتی آن، از کارایی چندانی برای هدایت نسل جدید برخوردار نیست و باید با ایجاد شیوه‌های نو در تبلیغات دینی به چاره‌اندیشی پرداخت (جعفریان، ۱۳۹۱: ۳۳-۳۴). جملگی فعالان و مؤسسان این انجمن‌ها، در پی این بودند که به وضعیت تبلیغ دین در جامعه سروسامانی بدهند. آنان که اسلام را سرلوحه و آرمان مبارزه خود قرار دادند، در برنامه مبارزاتی خود مبارزه با بهائیت، دفاع از فلسطین و مخالفت با اسرائیل، مقابله با مارکسیسم، مبارزه با تفکر ضد اسلامی کسروی را محور قرار دادند (دارابی، ۱۳۹۰: ۷۱). آنها به سرنوشت جهان اسلام و مسلمانان، مسئله استعمار و کم‌وبیش استبداد داخلی حساس بودند و خواهان اسلام بدون چون‌وچرا و اجرای شریعت اسلامی بودند؛ بنابراین اعتقاد داشتند با اجرای کامل شریعت و احکام دین، تمام مشکلات

مادی و معنوی جوامع اسلامی حل خواهد شد و مسلمانان از اسارت استبداد و استعمار نجات خواهند یافت. از این طیف به عنوان مهم ترین فعالان مذهبی با گرایش سیاسی- اجتماعی معتدل برای نشر افکار دینی در این دوره نام برده می شود (یوسفی اشکوری، ۱۳۷۶: ۱/۱۸۵) که فعالیتشان مکمل تلاش های مرجعیت و حوزه های علمیه در شکل دهی به ساختار نوین آموزش و تبلیغات اسلامی محسوب می گردید (امینی، ۱۳۸۱: ۲۰۰). بر این اساس از وجوه متمایز آنها با نیروهای چپ و ملی گرا در دهه ۱۳۲۰ در کنار حرکت معتدل سیاسی، تأکید ویژه بر حرکت های فرهنگی است. البته این نکته مهم را باید مدنظر داشت که ماهیت فعالیت های گروه اصلی تشکیل دهنده این جریان که عمدتاً متشکل از روحانیون و بازاریان بودند، دارای ابعادی عمیقاً فرهنگی و فکری بود. در میان این طیف تعلیمات اجتماعی اسلام، عامل نیرومندی در نزدیک سازی و پیوند امور اجتماعی و سیاسی با اعتقادات دینی مردم بود و آمیختگی فرهنگ دینی با امور اجتماعی و سیاسی را در پی داشت.

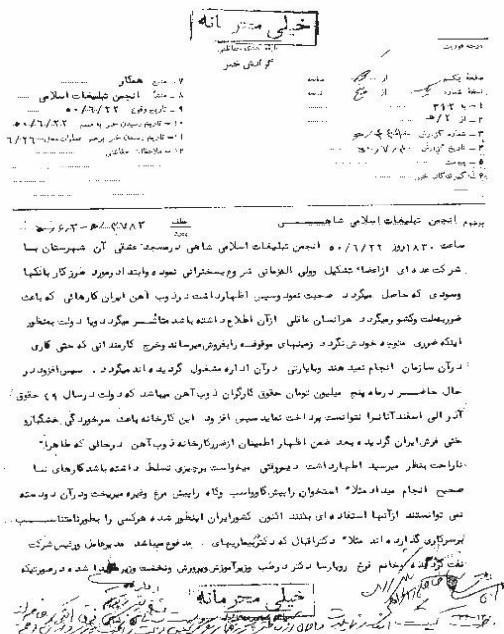
ظهور تشکلهای اسلامی نوگرا در ایران

انجمن تبلیغات اسلامی و فعالیت فکری- فرهنگی آنها

انجمن تبلیغات اسلامی نقطه ای آغازین برای ظهور احزاب و تشکیلات اسلامی در دهه ۱۳۲۰ بود که مقدمات آن از سال ۱۳۱۵ فراهم شده بود (یوسفی اشکوری، ۱۳۷۶: ۱/۱۸۷). این تشکل با شعار «تعلیمات قرآن را در سراسر جهان نشر دهید» (نور دانش، ۱۳۲۶، ش ۲: ۵). در فروردین ۱۳۲۱ توسط عطاءالله شهاب پور، حشمت الله دولتشاهی و علی اشرف کشاورز در تهران تشکیل شد و به مرور توانست پانزده هزار نفر را به عضویت خود درآورد (جعفریان، ۱۳۸۱: ۳۲). اگرچه مرکز ثقل و نقطه آغازین کلیه فعالیت ها ابتدا در تهران بود، اما آنها به سرعت دامنه نفوذ خود را در داخل به اکثر شهرستان ها و به برخی از کشورهای خارجی گسترش دادند. به موازات این توسعه مکانی، انجمن برای تضمین مشروعیت و تقویت پایه های فکری خود، تلاش های بسیار گسترده ای را به کار بست تا بتواند حمایت علما و روحانیون برجسته را جلب نموده و از این طریق، نفوذ خود را به درون حوزه های

۱۲۰..... دوفصلنامه تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، سال هشتم، شماره ۱۵، بهار و تابستان ۱۴۰۵

علمیه به شکلی مؤثر تعمیق بخشید (جعفریان، ۱۳۹۱: ۵۷). در دهه ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ فعالیت‌های انجمن ادامه پیدا کرد؛ اما در سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۳۵ در آن انشعاباتی صورت پذیرفت، ازجمله انشعاب سال ۱۳۳۲ باعنوان «سازمان وحدت نوین اسلامی» بود که مؤسسين اصلی در این شاخه به فعالیت ادامه دادند. مسئولیت این سازمان را در سال‌های بعد، شخصی به نام مسعود ریاضی برعهده گرفت. در سال ۱۳۳۵ نیز انشعاب دیگری با نام «انجمن خیریه حجتیه مهدویه» یا همان «انجمن حجتیه» توسط شیخ محمود ذاکر تولایی حلبی در آن ایجاد شد. بعدها انجمن حجتیه که شکل تکامل‌یافته انجمن تبلیغات اسلامی و شاخه‌ای جداشده از آن بود توانست نقایص انجمن تبلیغات اسلامی را تا حدودی مرتفع کند (باوریان، ۱۳۹۵: ۴۸-۴۹).



سند شماره ۱: فعالیت شاخه انجمن تبلیغات اسلامی در شاهی

مبانی و اصول فکری

در دهه ۱۳۲۰ عده‌ای از جوانان بر اثر آشنا شدن با تمدن اروپایی و فراگرفتن اندکی از معلومات علمی، تصور می‌کردند دین و مذهب با تمدن متمایز است و اصلاً دینی وجود ندارد. لذا انسان باید طبیعت را مظهر همه‌چیز بداند. این وضعیت باعث شد تا عده‌ای از فعالان مذهبی به فکر ایجاد تشکلی برای هدایت جوانان و هم‌نوعان خویش باشند تا با جلوگیری از فساد اخلاق و محو آن در جامعه، به ترویج دین اسلام بپردازند. بر این مبنا که اسلام تنها دینی است که با تمدن منطبق می‌شود (مظفری، ۱۳۸۵: ۶۴ و حسینیان، ۱۳۸۱: ۴۶۰-۴۶۱). در آن روزها مؤسسان، انگیزه تشکیل انجمن را پیروی از راه حقیقت، اسلام و انجام دستورات دینی و تبلیغ دین اسلام و اشاعه توحید در دنیا به زبان‌های مختلف بیان کردند: «ما می‌خواهیم تمام دنیا مسلمان شود و اسلام پاک و خالص و خالی از خرافات را بپذیرد، برای این کار نهایت کوشش خود را مبذول خواهیم داشت و تا آنجا که جان در تن و نیرو در بدن هست، فعالیت خواهیم کرد» (نور دانش، ۱۳۲۹: ۴۴۶-۴۴۷). از دیگر اهداف انجمن، تبلیغ مذهب شیعه اثناعشری، آگاه‌کردن جوانان و تحصیل‌کرده‌های امروزی به حقایق دین، فهماندن فواید دین برای سعادت جامعه و اهمیت دین‌داری برای زندگی فردی و اجتماعی، گسترش اخلاق اسلامی در ایران و سایر کشورهای جهان، نشان‌دادن حقایق اسلام به زبان امروزی و طبق آخرین کشفیات علمی دنیا، نگرش وحدت جهانی با حفظ عقیده اسلامی، مبارزه با بهائیان و وحدت شیعه و سنی بود (مظفری، ۱۳۸۵: ۶۴ و جعفریان، ۱۳۸۲: ۵۶).

براساس نگرش انجمن، جامعه به واسطه ریشه‌های فساد، در ظاهر مسلمان بود، اما در باطن جز نامی از اسلام نداشت. جامعه غرق در مادیات شده و روزبه‌روز به راهی می‌رفت که معلوم نبود عاقبت آن چه خواهد شد. با این وضعیت نیازمند استفاده از دین به عنوان یک احتیاج طبیعی بشر بود. از نظر آنان آنچه انسان را وادار به اختیار دین و تقید به یکی از مذاهب معمول می‌کرد، نیازمندی شدید روحی او بود؛ اما در میان ادیان انجمن، دین اسلام را دارای قواعدی محکم معرفی می‌کرد که انسان هرچقدر مرحله علم و کمال را بپیماید بیشتر از تفکر در اصول آن محفوظ می‌گردد (قلمداران، ۱۳۲۷: ۱۱۵ و ۱۱۲-۱۱۱). از نظر

آنان اسلام نه یک نظریه بود که موافق آرزوهای نفسانی بشر باشد و نه مجموعه وصایای عالم علوی که قابل تطبیق باشد یا نباشد. بلکه یک قانون زندگی بود که میخواست عمیقترین احساسات اخلاقی انسان را روی قاعدهای مثبت و محکم بنا کند (نور دانش، ۱۳۲۹: ۵۲). با این وصف، این مغرضین بودند که به نام اسلام مایه خرابی آن می شدند. چون درحقیقت دین مبین اسلام عاری از هرگونه عیب و نقصی بود. ضعف اسلام و چیره شدن دشمنان هم نتیجه مستقیم عمل این مسلمانانها بود. از سویی فساد اخلاق مسلمین که منجر به انحطاط می شد ناشی از آن بود که مقامات مسئول به وظیفه خود عمل نکرده و عمل آنها مطابق با روش و دستورالعملهای پیامبر (ص) و ائمه (ع) نبود و بیش از آن که منافع اسلام را در نظر داشته باشند منافع شخصی را در نظر گرفته اند (آیین اسلام، ۱۳۲۳، ش: ۱). لذا در آن وضعیت ایران میدان تبلیغات سوء عدهای ماجراجو و مذهب تراش سیاسی شده بود که اگر اولیای دین از این تبلیغات جلوگیری نمی کردند بیم آن می رفت که با هزاران نیرنگ، اذهان ایرانیان را مشوب نمایند. البته وجود نفاق و القاء شبهه و تبلیغات مسموم نه تنها در ایران، بلکه در کشورهای اسلامی وحدت اسلامی را از بین برده بود (نوریانی، ۱۳۲۳: ۳).

در این شرایط برای جلوگیری از چنین وضعیت متلاطمی باید به ترویج دین پرداخت، اما در ایران چون بیگانگان، می خواهند دیکتاتوری به وجود آورند، سعی می کنند عقاید و علاقه مردم را نسبت به دین و آیین محو نمایند و برای این منظور طبقه علاقه مند به دین را به ظواهر و خرافات سرگرم نموده اند و متجددین و جوانان تحصیل کرده امروزی را از مبانی حقیقی دین دور و فریفته ظواهر ساخته اند. در ایران یک عده که به هیچ وجه استقلال فکری ندارند مقدرات کشور را به دست گرفته اند و دین را از جمله خرافات محسوب می دارند. همین ها هستند که در مراجعات دینی از هیچ گونه ستمگری مضایقه ننموده و درهای اصلاحات را بر روی آن می بندند: «ما تاکنون ندیدیم که در ایران... قدم اساسی به نفع دین برداشته شود... [اما] چرا دین در تصورات سیاست هم همیشه عقب می ماند؟... علت این است که علاوه بر زیاده روی در تقلید، عدم آشنایی توده مردم به حقایق دین و محدودیت دایره تبلیغات دیانتی و بالاخره بی اعتنائی و خودداری وزارت ما به ترویج حقایق اسلامی و

توسعه تعلیمات دینی می‌باشد» (نوریانی، ۱۳۲۶: ۱). از نظر بانیان انجمن در مراکز حساس ایران یک‌عده بی‌علاقه به دین زمام امور را به دست گرفته و در هر اداره‌ای پست‌های مؤثر را عناصری ناپاک اشغال نموده‌اند؛ از این رو اگر روزی هم سیاست برای ترویج دین لازم باشد همان عده لامذهب مانع از تأثیر آن شده یا آن را بسیار محدودش می‌نمایند (نوریانی، ۱۳۲۶: ۱). در این راستا انجمن تبلیغات اسلامی پیشنهادهایی را برای تبدیل ایران به یک کشور اسلامی ارائه می‌دهد که بخشی از آن‌ها ذکر می‌گردد:

- اتکا به قانون اساسی کشور برای مبارزه با بی‌دینی و ریشه‌کن کردن نفوذ بی‌دینی در کشور طبق موازین قانونی مملکت (نوریانی، ۱۳۲۶: ۱۹).
- مددگرفتن از احکام و قوانین اسلامی برای تأمین سعادت جامعه؛ زیرا اسلام مکمل ادیان و عالی‌ترین قوانین را دربر می‌گیرد و جز ایمان به خدا و عمل به احکام قرآن و جز با تعلیم و تربیت دینی، هیچ‌یک از دردها و مشکلات حل نمی‌شود (آیین اسلام، ۱۳۳۴، ش ۱۰: ۳).
- ایجاد وحدت و رفع اختلافات جمعیت‌های اسلامی کشور با تکیه بر قرآن و سنت پیامبر (ص) به وسیله بیان حقایق توسط مبلغین و وعاظ. چون با این رویه محافل دینی و جمعیت‌های اسلامی را وادار می‌کنند که به همدیگر متصل شوند و با اتصال آنان نه تنها یک وحدت خلل‌ناپذیری ایجاد می‌گردد، بلکه یک قدرت بزرگی به وسیله اتحاد حقیقی ایجاد می‌شود که می‌تواند بانفوذ بی‌دینی مبارزه کند (نوریانی، ۱۳۲۶: ۱۹).
- تأکید بر اصلاح فردی به عنوان کلید تمام موفقیت‌های اجتماعی که تمام پیامبران از آن استفاده کرده‌اند؛ زیرا علت شکست احزاب و جمعیت‌ها و مرام‌های سیاسی و اجتماعی در فراموشی اصلاح فردی است (نور دانش، ۱۳۳۰: ۸).

125

میری

261/196-9234

01/4/14/15

• بارہ: انجمن تبلیغات اسلام

سکول انجمن تبلیغات اسلامی در مرکز بنظر مبارزه علمی و عقلی بسیار
بسیار با نفع و استوار است و در این زمینه شاهد های لازم بعمل
آورد. با اطلاع خواست سکول انجمن نیز خواهد شد است من تمام
باعتبار یاد شده در بنظر آنها توضیح گردد که ادوات آنها باید جنبه
تعمیم و اخلاقی داشته باشد.

[illegible]

سند شماره ۴: مخالفت انجمن تبلیغات با فعالیت بهائیان

[illegible]

سند شماره ۵: مخالفت انجمن تبلیغات با بهائیان

فعالیت‌های فرهنگی - تبلیغی

انجمن تبلیغات اسلامی در اساسنامه‌اش به‌صراحت بر فعالیت‌های فرهنگی و عدم فعالیت سیاسی تأکید کرده است. چنان‌که در ماده پنجم شرط کرده، اعضا باید تعهد نمایند به‌هیچ‌وجه در مباحث سیاسی کشور یا کشورهای دیگر دخالت نکنند (مظفری، ۱۳۸۵: ۶۴). با این تفکر در دهه ۱۳۲۰ به‌عنوان یک تشکل نوگرای غیرسیاسی کوشید به زبان روز از اسلام و دین سخن بگوید و جوانان را نسبت به دیانت جذب کند. از سویی دین و احکام دینی را با زبان علمی و عقلانی و منطقی و روز پسند توجیه و تفسیر نماید (یوسفی اشکوری، ۱۳۷۶: ۱۸۷-۱۸۸). با این حال در دوران پراشتهای نهضت ملی نتوانست به‌دور از سیاست باشد؛ بنابراین در مسئله نفت به موضع‌گیری سیاسی پرداخت و از فعالیت‌های آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق حمایت کرد. سپس در ۲۲ تیر ۱۳۳۲ جلسه‌ای مشترک با جبهه ملی در حمایت از دولت مصدق تشکیل داد. ولی در جریان اختلاف در سطح رهبری نهضت، از کاشانی حمایت کرد (حسینیان، ۱۳۸۱: ۴۶۰-۴۶۲ و مظفری، ۱۳۸۵: ۶۴ و ۴۶۲). انجمن تبلیغات باتوجه به اهداف خود برای پیشرفت دین و ابلاغ اوامر و احکام آسمانی و تشویق و ترغیب مردم به دین‌داری، وظایف انجمن را در دو بخش تنظیم کرد:

۱. تأسیس کلاس‌های دینی اعم از شبانه و روزانه و تشکیل حوزه‌های علمیه، اعزام مبلغان به شهرهای دوردست.

۲. تشکیل مجالس وعظ و خطابه و تهیه وسایل دیگری از قبیل چاپ کتاب و نشریات دینی (حسینیان، ۱۳۸۱: ۴۶۲ و کرمی‌پور، ۱۳۸۳: ۹۳-۹۴).

در بخش اول باتوجه به این‌که از نظر شهاب‌پور برای رسیدن به هدف و گرویدن به دین اسلام تنها راه صحیح تبلیغات بود، همان روش پسندیده و راه مسالمت‌آمیزی که قرآن با بهترین عبارات آن را بیان ساخته بود (شهاب‌پور، ۱۳۳۳: ۴۳-۴۴). انجمن، علاوه بر تأسیس شعبه اصلی در تهران، موفق به دایرکردن شعبه‌هایی در اکثر شهرستان‌ها شد تا دامنه نفوذ خود را گسترش دهد. شعبه‌های شهرستان‌ها از مردم و روحانیون تشکیل شدند که به تبلیغ و مباحث اسلامی می‌پرداختند. این شعبه‌ها بسیاری از جلسات مذهبی را اداره و شخصیت‌هایی را نیز برای سخنرانی دعوت می‌کردند (حسینیان، ۱۳۸۱: ۴۶۳).

از سویی با توجه به این که از جمله اهداف انجمن، تبلیغ اسلام در تمام دنیا بود، در خارج از کشور نیز شعبه‌هایی دایر شد. آنان از سال ۱۳۲۵ توانستند با ده‌ها هزار نفر از مسلمین در اکثر نقاط و نواحی جهان ارتباط برقرار کنند. این امر مورد توجه جراید خارجی قرار گرفت و آیین‌نامه انجمن را به زبان‌های مختلف در سراسر جهان منتشر کردند. بدین وسیله ارتباط انجمن با هزاران نفر از مسلمانان جهان برقرار شد و حتی در بسیاری از موارد به نام و نشانی افراد مستعد از مناطق مختلف آمریکا و اروپا و... نیز برای تبلیغ دست یافتند (نور دانش، ۱۳۲۹: ۴۴۷-۴۴۸). از جمله مهم‌ترین شعبه‌های آنان شعبه پاریس و برلین بود. به نظر می‌رسد که آن‌ها با این دو شعبه مراودات گسترده‌تری داشتند. چنان‌که در سال ۱۳۲۸ انجمن اسلامی برلین به ارسال مجله البرید الشرق (روتابرت) به انجمن تبلیغات اسلامی در ایران پرداخت (ساکما، سند ۲۴۰/۱۱۵۲۹۰). در تبلیغاتی که از سوی شعبه پاریس می‌شد، مردم جهان به صورت مسالمت‌آمیز به اسلام دعوت می‌شدند: «دوستان شما همگی اعم از مسلمان یا غیرمسلمان شما که آرمانتان یافتن دنیایی بهتر است... اسلام به شما می‌گوید: به سوی ما بیایید. در انجمن ما... می‌توانید راجع به یک دینی که منشأ اعتلای روحی و ترقی و تمدن ملل بی‌شمار شرقی بوده است... تحقیقات کنید، اسلام... شایسته آن است که توسط شما کشف [شود]» (نور دانش، ۱۳۲۹: ۴۴۴).

رویکرد دوم مربوط به چاپ نشریات متعدد با جذابیت دینی بود. آن‌ها نشریات متعددی با عناوین آیین، گشایش، راه نو، در عالم حقیقت، راه راست، غزالی با شما سخن می‌گوید، مساحت عالم، اسلام و علم امروز، فرهنگ اخلاق اسلامی، رموز نیکبختی، آیات ذوالقرنین، مجد و نشریات مختلفی به زبان فرانسه، انگلیسی و عربی نیز منتشر کردند (جعفریان، ۱۳۸۲: ۵۷ و مظفری، ۱۳۸۵: ۶۴)؛ اما به نظر می‌رسد بیشترین تبلیغ و فعالیت آن‌ها به وسیله دو نشریه «آیین اسلام» و «نور دانش» صورت گرفت.

هفته‌نامه آیین اسلام با مدیریت «نصرت‌الله نوریانی» از فروردین سال ۱۳۲۳ تا اسفند ۱۳۲۸ و سپس تا پایان سال ۱۳۳۴ منتشر شد و پس از توقف، چاپ دوره جدید آن از اول تیر ۱۳۵۸ مجدداً شروع شد (ساکما، سند ۹۱/۲۸۰/۹۹۵). آیین اسلام در اولین شماره خود بدین گونه مرامش را تبلیغ آیین اسلام و روش خویش را بیان عظمت اسلام اعلام کرد:

«مدت مدیدی است که نشانه‌های دین محو و آثار آن کهنه گردیده و آنچه جایگزین حقیقت دین شده، اندکی تعالیم غیراصیل است که با خرافات آمیخته شده است» (فیرحی، ۱۳۹۳: ۱۰۶). این مجله برای تحکیم مناسبات روحانیون و دولت و رهایی ملت از کشمکش این دو طبقه خدمات زیادی نمود. آیین اسلام در پی آن بود که در سایه ایجاد تشکیلات روحانی نفاق دولت روحانیون برای همیشه مبدل به وفاق گردد. همچنین برای ایجاد اخوت اسلامی بین کلیه مسلمانان دنیا در شماره‌های مختلف آن پیشنهادهای مفیدی ارائه شد. بالاتر از همه آیین اسلام پایه و اساس صحیحی برای تبلیغات دینی با تأسیس شرکت سهامی مطبوعاتی اسلامی گذاشت (نوریانی، ۱۳۲۵: ۲).

این نشریه، به‌نوعی بازاندیشی در فکر دینی و ضرورت اصلاح مذهبی پایبند بود و راهی برای تغییر سیاسی و اجتماعی بر مبنای شریعت فراهم می‌کرد و به‌نوعی تابلوی جریان اصلاح دینی در دهه ۱۳۲۰ بود. در آیین اسلام به‌منظور دفاع از دین و توحید در مقابل ماتریالیسم و دفاع از تشیع در برابر بهائیت و جنبش کسروی و تلاش برای اصحاب باورهای مذهبی مردم و خرافه، رشته مقالاتی منتشر می‌شد (فیرحی، ۱۳۹۳: ۱۱۰).

این نشریه با مطالبش به‌وضوح اراده و جهت تغییر در دهه ۱۳۲۰ را آشکار کرد و بیشتر به‌عنوان مجله‌ای علمی و دینی در سطح جامعه مطرح بود که به‌صورت مبسوطی به مباحث مذهبی می‌پرداخت، اما در کنار آن به مسائل سیاسی هم گریزی داشت و در کنار پرداختن به‌شرح فعالیت انجمن‌ها و گروه‌های مذهبی، افراد و جریان‌های سیاسی را نیز مورد توجه قرار می‌داد. گرایش موجود در آیین اسلام دفاع از اسلام، مذهب شیعه، روحانیت و توجه به واقعیت زمان و ترویج روحیه تحول‌خواهی در حوزه علمیه و مراکز دینی بود. به‌دلیل پرداختن به مقالات قوی مذهبی در این زمینه‌ها بود که مجله مورد استقبال جامعه مذهبی قرار گرفت و تأثیرگذاری آن در حدی بود که مراجع تقلید از وجوهای مردمی برای کمک به آن استفاده می‌کردند. تا جایی که آیت‌الله کاشانی با صدور اطلاعیه‌ای به دفاع از آیین اسلام و لزوم حمایت مالی از آن پرداخت. آیین اسلام که هر هفته، تفسیر قرآن آیت‌الله طالقانی در جمع اسلامی دانشجویان را درج می‌کرد، چنان جنبه مذهبی داشت که آیت‌الله کاشانی آن را «یگانه روزنامه دینی» خواند و مراجع قم حمایت خود را از آن اعلام کردند.

«حاج سراج انصاری» در سال ۱۳۲۴ درباره آیین اسلام نوشت: «این نشریه در تمام کشور تنها نامه‌ای است که ترویج حقایق دین مقدس اسلام را عهده‌دار شده است» (جعفریان، ۱۳۹۱: ۶۳-۶۴ و حسینیان، ۱۳۸۱: ۴۵۰).

در این هفته‌نامه، وزین انصاری مقاله «خردمند چیست؟ خردمند کیست؟» و سلسله مقالاتی ضد کتاب «شیعی‌گری» و در دفاع از آیین تشیع،^۱ یا کتاب «دین چیست؟ و برای چیست؟» را به‌صورت رشته مقالاتی در شماره‌های روزنامه آیین اسلام تدریجاً چاپ نمود. وی که در کنار نوریانی اداره آیین اسلام را برعهده داشت تا زمان تشکیل اتحادیه مسلمین با نشریه همکاری کرد و کلیه مقالات روزنامه، با نظر او طبع و منتشر می‌گردید (آیین اسلام، ۱۳۲۵، ش ۳۷: ۱-۳). از دیگر مقالات معروف آیین اسلام می‌توان به «رساله جوابیه» اثر خالصی‌زاده، «نهضت اسلامی» اثر محمدباقر کمره‌ای، کتاب «۷۲ تن» به قلم میرزا خلیل کمره‌ای، «اسلام و آینده جهان اسلام» اثر محمد جناب‌زاده، «محمد در نظر دیگران» اثر محمدعلی خلیلی و... اشاره کرد. در این نشریه آثار متعددی به قلم آیت‌الله طالقانی، سیدجعفر شهیدی، عطاءالله شهاب‌پور، حسینعلی راشد و... نیز به چاپ رسید (آیین اسلام، ۱۳۲۳، ش ۵: ۲-۶). یکی از مهم‌ترین اقدامات نشریه آیین اسلام، رد رساله «اسرار هزار ساله» و رد ادعای علی‌اکبر حکمی‌زاده مبنی بر این بود که انجمن در پی آن بوده که به‌واسطه توافقاتی که با او به‌عمل آورده، رساله را چاپ کند. آیین اسلام ضمن رد این ادعا با دفاع از رساله جوابیه نوشت: «کتاب آقای خالصی‌زاده... بسیار به‌جا و متین نوشته‌شده و نیز جواب نیکی به این موضوع داده است... آیین اسلام مقالات سودمند و اسلامی را که در جواب و رد مبلغین سوء و کسانی که می‌خواهند ذهن مردم را نسبت به اسلام و مخصوصاً مذهب تشیع مشوب نمایند می‌پذیرد و درج می‌نماید» (آیین اسلام، ۱۳۲۳، ش ۵: ۷).

اما نشریه «نور دانش» به شکل یک سالنامه، از سال ۱۳۲۴ برای سال‌های متمادی، توسط انجمن تبلیغات انتشار یافت؛ این سالنامه شامل مجموعه‌ای از مقالات تخصصی در حوزه‌های علمی، دینی و اخلاقی بود و از اول فروردین ۱۳۲۹، به زبان‌های خارجی ترجمه

۱. بعدها در قالب کتابی با عنوان «شیعه چه می‌گوید» منتشر شد.

و چاپ شد. نور دانش با هدف گسترش پیام خود، به صورت رایگان در میان افراد غیرمسلمان در سراسر جهان توزیع گردید. امری که از آن به عنوان بزرگ‌ترین اقدام انجمن نام برده می‌شود (نور دانش، ۱۳۲۹: ۴۳۰). هدف از انتشار نور دانش خدمت در راه دانش و دیانت، انتشار اخلاق حسنه در دنیا، عادت دادن مردم با وسایل مختلف به کسب نیکویی‌ها و احتراز از بدی‌ها، نجات دادن دنیا مخصوصاً ملل شرق از نادانی و بی‌سوادی و دوری از دانش و معلومات و برحذر داشتن آن‌ها از کارهای فاسدی بود که به نام تمدن یا علم در بازارهای شرق و غرب عرضه می‌شد: «ما می‌خواهیم با این حربۀ مؤثر عظیم که سرنوشت دنیا در دست قدرت آن است یعنی با تبلیغات، دنیایی بسازیم که در آن صلح و صفا و رفاهیت حکم فرما باشد» (نور دانش، ۱۳۳۰: ۲). در این نشریه مقالاتی چون «سهم مسلمانان در پیشرفت علم» اثر محمد عبدالرحمن خان، «پیام اسلام به دنیا» اثر عبدالسبحان، «کشور سوئیس و ارتباط آن با اسلام» اثر دکتر حمید مارتوس، «تجرد نفس و بقای روح از نظر اسلام و قرآن» به قلم حیدرعلی قلمداران، «سیدجمال‌الدین اسدآبادی فیلسوف شرق» اثر منوچهر مظفریان و غیره به قلم شخصیت‌های سرشناس ایرانی و خارجی چاپ می‌شد (نور دانش، ۱۳۲۹: ۳۳۴ و ۳۶۱-۳۶۵ و ۱۳۳۵: ۲۰۴ و ۹۷). در کنار چاپ نشریات، انجمن کتاب‌های اخلاقی منتشر می‌کرد و رایگان در اختیار اعضا قرار می‌داد. از معروف‌ترین آن‌ها، کتاب «روحانیت و اسلام» به قلم آیت‌الله محمدباقر کمره‌ای بود. آنان کلاس‌هایی برای تدریس زبان عربی، فقه، اصول، فلسفه، تاریخ و... دایر کردند و شعبه‌ای نیز به نام دارالعلوم دینی و عربی تشکیل دادند (جعفریان، ۱۳۸۲: ۵۹ و حسینیان، ۱۳۸۱: ۴۶۰ و ۴۶۳). باتوجه به این رویکرد انجمن توانست با استفاده از روش و ابزارهای فرهنگی سهم بسزایی در دهه‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ ایفا کند. فعالیت فرهنگی انجمن تبلیغات در بستر تحولات این دوره، نشان از برنامه بلندمدت آنان برای تأثیرگذاری بر ساختارهای اجتماعی در یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخی کشور دارد.

جامعه تعلیمات اسلامی و مبانی فکری - فرهنگی آنها

جامعه تعلیمات اسلامی در سال ۱۳۲۲ به صورت غیررسمی توسط «شیخ عباسعلی سبزواری» معروف به «حاج شیخ عباسعلی اسلامی» بنیان گذاری شد. این جامعه ریشه در جلسات «جمعیت پیروان قرآن» اسلامی داشت که تحصیلات دینی را در نجف و هندوستان گذرانده بود. جمعیت پیروان قرآن که مؤسسين آن هفت نفر بودند، حاصل فعالیت یک آموزشگاه شبانه در خرداد ۱۳۲۲ بود که در آن بی سوادان خواندن و نوشتن و باسوادان اصول عقاید، علم، اخلاق، فروع دین، عربی، قرائت قرآن و تفسیر علوم دینی را فرا می گرفتند. پس از گذشت چند ماه در پی فعالیت های موفقیت آمیز جمعیت، هیئت مؤسس با همراهی بزرگان دینی موفق شدند جمعیت پیروان قرآن را در سال ۱۳۲۳ گسترش دهند و آن را به جامعه تعلیمات اسلامی تبدیل نمایند (دانشور، ۱۳۳۱: ۱۱). البته برخی از محققان تشکیل جامعه تعلیمات را الگوگیری شیخ عباسعلی از مدرسه «الواعظین» نجم العلماء عالم شیعی هندوستان تلقی می کنند. آموزش علوم و فنون جدید همراه با آموزش علوم اسلامی، شیوه های ابتکاری در آموزش و تربیت و اخلاق آموزشی و... در آن مدرسه، اسلامی را سخت تحت تأثیر قرار داد؛ چنان که وی بعد از مراجعت به ایران «جامعه تعلیمات اسلامی» را پایه گذاری نمود (ادهم نژاد، ۱۳۸۶: ۱۱۶). فضای جامعه ایران در زمان تشکیل جامعه این گونه ترسیم شده است: «[در آن مقطع] ملت ستمدیده ایران سخت ترین اوقات و پست ترین روزهای زندگانی خود را می گذراند. از طرفی جهل و بی سواد و از جهتی فساد اخلاق و بی علاقه به مقررات دینی، از جانبی تعلیمات فاسده به جوانان و نوباوگان این کشور و فقر و استیصال که آن هم نتیجه بی دینی و بی ایمانی و نفوذ اجانب بود، ما را احاطه نموده [بود]». در آن روزها این ناگواری ها جامعه را تا بدان پایه در اضطراب فرو برد که بزرگ ترین عامل بدبختی تعلیمات سوء و تربیت های فاسدی تلقی شد که به واسطه دست های مرموز در کشور رواج یافته بود. در آن شرایط عدم تدریس علوم دینی یا تظاهر به تدریس آن در مدارس از نظر آنها فساد اخلاق را در کشور رقم می زد (گلشن، ۱۳۳۱: ۸-۱۰). بر پایه این تفکرات برای اصلاح وضعیت موجود، جامعه تعلیمات اسلامی در ۱۷ اردیبهشت ۱۳۲۵ تشکیل شد. این جامعه در شهریور ۱۳۲۸ صاحب اساسنامه گردید و

فعالیت رسمی آن در سال ۱۳۳۲ آغاز شد (تعلیمات اسلامی، ۱۳۳۱، ش ۱: ۳۶). اعضای هیئت مدیره جامعه تعلیمات ۲۸ نفر بودند که از آن میان ۲۲ نفر عضو اصلی و ثابت به شمار می آمدند. بیشتر آنان از متدینان بازار تهران چون حاج شیخ نصرت الله شیخ العراقین، حاج عباسقلی بازرگان، ابوالقاسم میرزایی، ابراهیم نیک سیر، حسینعلی گلشن، حاج عباسعلی اسلامی، شیخ محمد آخوندی، حاج سراج انصاری، حاج سیدمحمدرضا مجد، حسین مزینی و... بودند (تعلیمات اسلامی، ۱۳۳۱، ش ۲: ۴۰). در اساسنامه آن با ذکر این مبحث که هدف از ایجاد جامعه، تعلیم و تربیت افراد به اصول عقاید و آداب و اخلاق اسلامی و ترویج مذهب حقه جعفری مطابق احکام قرآن و سنن پیامبر و تقلید از اعلم علمای امامیه و تثبیت ایمان در قلوب افراد جامعه است. مرکز اصلی جامعه تهران و مدت دوام آن تا ظهور امام زمان (عج) بیان شد. همچنین وظایف جامعه جهت تعلیمات و آشنا کردن مردم با احکام و اوامر الهی در دو قسمت ترسیم شد:

۱- تأسیس کلاس های دینی اعم از شبانه و روزانه طبق موازین شرعی در داخل کشور و در زمان مناسب برای سایر کشورها، تأسیس پرورشگاه ها برای یتیمان و بیمارستان ها برای درمان عمومی و انجام سایر امور خیریه به شکل نوین و با رعایت موازین شرعی.

۲- تبلیغات به وسیله تشکیل مجالس وعظ و خطابه و اعزام مبلغین به مناطق مختلف، تهیه و چاپ کتاب، رساله و نشریات دینی و به هر وسیله ای که برای مردم در دسترس باشد (ساکما، سند ۳۱۰۰۴۱۱۲ و تعلیمات اسلامی، ۱۳۳۱، ش ۱: ۳۶).



خط مشی و حدود کار و وظائف جامعه تعلیمات اسلامی * هدف و منظور جامعه تبلیغ و ترویج احکام و افعال دین مقدس اسلام و مذاهب شیعیه اثنی عشری طبق احکام قرآن مجید و سنن حضرت پیغمبر اکرم محمد بن عبدالله و ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین و تقلید علماء اعلم امامیه و متخلفین بودن با اخلاق و آداب و رسوم اسلامی است. * حدود و کار و وظائف جامعه در تحت میبایست الف. دایره نگاه داشتن و تأمین کلاسهای دینی ام از شیانه و روزانه که بمنظور تعلیمات اسلامی و آشنا کردن مردم با احکام و اوامر الهی تشکیل شده و خواهرت شد. *

ب. تشکیل مجالس بحث و خطابه و تهیه و مسائل دیگر از قبیل چاپ کتاب و نشریات دینی که برای پیشرفت دین و ابلاغ اوامر و احکام الهی و تشویق و ترغیب مردم بدین داری و ایجاد حسن رأیت و مهربانی و همدلی و اتفاق و اتحاد مسلمین و تقویت صفات نیکی و اخلاق حسنه مخصوصاً سبکدوشی از ریاضت گان و پنهانپایان یا سبکدوشی تبصره. کلیه تبلیغات و اقدامات که از طرف جامعه بعمل میاید باید طبق اوامر قرآن مجید و سنن پیغمبر اکرم و ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین یعنی با بهترین زبان و نوکترین اخلاق حسنه و نهایت لطف و مهربانی و بدون خائن شدن از حدود ادب و منایعت از عصیبت انجام کسود. * چون جامعه تعلیمات اسلامی نمیا با اثباتا طرفدار هیچ سیاستی نیست لذا افراد و کاربندان انهم به هیچوجه نیاید در بحلهای وابسته به جامعه موضوعات سیاسی را اعم از تحریف یا تنقید مطرح نمایند. *

ج. * جامعه منزحل میشوند. * جامعه وابسته به جامعه معرفی نمینایند اگر در خارج از محیطهای وابسته به جامعه کسانیکه خود را کاربند و نماینده جامعه معرفی نمینایند و با متظاهر بقسط شوند و یا بنام نمایندگی مخالفتی یا احکام صریح دینی و منظور و هدف جامعه بنمایند و با متظاهر بقسط شوند و یا بنام نمایندگی جامعه در موضوعات سیاسی دخالت نمایند شخصاً مسئول افعال خود بوده و عمل ابتدا ارتعاش پساً عقیده و هدف جامعه ندارد. بدین استیجاء اطلاع جامعه از عمل و رفتارها لغرض مورد تعقیب جامع میخور

3-

سند شماره ۶: وظائف جامعه تعلیمات اسلامی، ساکما، سند ۳۱۰۰۴۱۱۲.

به رغم این که در اساسنامه تأکید شده بود که این جامعه در سیاست دخالت نکند و صرفاً به کارهای فرهنگی بپردازد، شرایط سیاسی خاص آن روزها و عدم تمایل شیخ عباسعلی به فعالیت‌های فرهنگی صرف، آن را ناممکن ساخت؛ بنابراین رویکرد فرهنگی - مذهبی آن به گونه‌ای جهت‌دهی شد که سمت و سوی سیاسی نیز به خود گرفت. از سویی قید تقلید از اعلم علمای امامیه در بندهای سه و پنج اساسنامه و دوستی و نزدیکی مؤسس با نواب صفوی، آیت‌الله کاشانی و مراوده با امام خمینی سبب شد تا جامعه رابطه گسترده‌ای با مراجع تقلید داشته باشد؛ اما این تمایل به سوی آنان یک‌طرفه نبود و مراجع تقلید و روحانیونی چون: نواب صفوی، آیت‌الله کاشانی، بهبهانی، طالقانی، بروجردی، حکیم، میلانی، احمد خوانساری، شریعتمداری، امام خمینی و غیره نیز متقابلاً آن‌ها را حمایت کرده و به صداقت و اصالت اهداف آنان در مسیر اصلاح فرهنگی و تقویت مبانی دینی باور داشتند (کرمی‌پور، ۱۳۸۰: ۱۵ و ۷۹-۸۲). در عرصه سیاسی شیخ عباسعلی در جریان ملی‌شدن صنعت نفت ارتباط نزدیکی با فدائیان اسلام داشت، وی بارها به عنوان نماینده آیت‌الله

کاشانی، با هدف تشویق و آماده کردن مردم جهت طرفداری از نهضت ملی به شهرهای مختلف تبریز، ارومیه، شیراز و... سفر کرد (کلهر، ۱۳۶۸: ۱۴۵-۱۴۶).

خردادماه ۱۳۳۰

تذکره

بقرارکتابخانه شهرتاریخ تبریز شیخ عباسعلی اسلامی اهل خراسان

سرپرست جامعه تعلیمات اسلامی به تبریز وارد و در منزل آقای

ایبکی که از قلم میباید منزل نموده رئیس شهرتاریخ تبریز

نامبرده را ملاقات و بنحو شایسته وضع منطقه آذربایجان را

باو خاطر نشان و مخصوصاً تذکره داده است که آلت دست اشخاص

ماجرای جنمی بایستی واقع شود در این ملاقات نتیجه مطلوب

حاصل شده است و قرار است شیخ عباسعلی اسلامی امروز

در مسجد جامع راجع به حفظ اسلام سخنرانی نماید *

سید شمس الدین

سند شماره ۷: سفر اسلامی به تبریز به دستور آیت الله کاشانی

وی همیشه با تبلیغات خود یکی از مدافعان واقعی اسلام و از طرفداران آیت الله خمینی به شمار می آمد و به همین دلیل، دوازده بار به زندان افتاد (ادهم نژاد، ۱۳۸۶: ۱۲۱-۱۲۲). آیت الله خمینی طی سخنرانی در اول اسفند ۱۳۴۱ فرمودند: «اگر آقای اسلامی را نگذاشتند در تهران منبر برود، دیدند که ایشان در بندر پهلوی منبر رفتند... شک نداشته باشند که ایشان... هر جا که فرصت پیدا کند، مطالب را به گوش مردم خواهد رساند» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۵۲/۱). ایشان همچنین در سخنرانی مشهور خود علیه کاپیتولاسیون درباره شیخ عباسعلی فرمودند: «می خواهند... برای خانواده هایشان مصونیت باشد؛ لیکن... آقای اسلامی

را با دستبند ببرند این‌ور و آن‌ور... وعاظ اسلام باید در حبس باشند» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۴۲۱/۱).

مراودات اسلامی با آیت‌الله خمینی پس از تبعید ایشان نیز همچنان ادامه یافت و او تمایلات سیاسی و علاقه‌اش نسبت به آیت‌الله را در رأس برنامه‌های جامعه تعلیمات قرار داد. با توجه به تأیید شیخ عباسعلی از سوی آیت‌الله خمینی می‌توان به پذیرش این مرکز فرهنگی از جانب ایشان پی برد. جامعه به ارتباط با دیگر فعالان سیاسی روحانی تا سال ۱۳۴۲ و بعدها تا انقلاب اسلامی ادامه داد (کریمی‌پور، ۱۳۸۰: ۹۶-۹۷ و جعفریان، ۱۳۹۱: ۸۲-۸۳). در فهرستی از اسامی علما و روحانیون ممنوع‌المنبر ۱۳۴۹ که ملزم به سپردن تعهد برای ایراد سخن در شهرهای مختلف شدند، در کنار هاشمی رفسنجانی، سیدعلی خامنه‌ای، محمدجواد باهنر و محمد مفتاح نام شیخ عباسعلی اسلامی نیز به چشم می‌خورد (ساکما، سند ۲۹۱/۳۶۸۵).



در باره: شیخ عباسعلی، شهرت اسلامی، تراکبی، مؤلف: ۱۳۲۵ شمسی
شغل: واعظ و مروجیت رهنه جامعه تعلیمات اسلامی
(مدارس اسلامی در تهران) ساکن: تهران
سه راه زاهدی، گروه شمس-پلاک ۳

- ۱- نامبرده بالا از روابط ناراحت و مخالف دولت و طرفدار خمینی بوده که به‌عنوان «شیر» نظامی خمینی آموزش دیده است.
- ۲- علاوه بر عضویت هیئت رهنه جامعه تعلیمات اسلامی، شصت و پنج ساله صاحب امتیاز چندین چاپخانه اسلامی که در آنجا ضمن تدریس دروس کلاسیک برنامه‌های مذهبی از جمله تفسیر قرآن و تاج‌الاحکام نیز برگزار می‌شود، می‌باشد.
- ۳- مشارالیه در سال ۱۳۴۶ شاهنشاهی به‌طور غیرمجاز از مرز خارج و از طریق عراق به‌نگام مسافرت عبور نموده است.
- ۴- از مرتبه از طریق خبرهای وسایع جهت دادن تذکر احضار و بازداشت گردیده است.
- ۵- دارای ۵ نفر سرود غیرمیهن‌شده که در سال ۱۳۴۳ یکی از تهران و امداد و برادر دامادش به‌علت فعالیت‌های مغرور سیاسی بازداشت بوده است.
- در حال حاضر به‌علت گریستن فعالیت‌های ای از وی مشهود نمی‌باشد.
- رئیس سازمان اطلاعات و امنیت تهران - پرتیان‌فر

۲۷۶

بسم الله الرحمن الرحیم
 حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
 سال گذشته ماه مبارک رمضان در بند رهپویان و دوست
 شب و با تشریفات منصفی گذشت و بخت بود
 و همین که نه در حرم و اعظمه برادران جهان
 که در جمعیه بطهران بودند بیدارین مدت بر فراز
 به برپا داشتند و شب چهارشنبه در مسجد ویدیم کردند
 و شب بعد که بودند و فردا هم تا ظهر به پیشان
 و از آنجا که در پیش و گفتارها رد و بدید و خبر داد
 از این شهر گذشتند و خود به درگاه نظر کردند
 معنی گم اینک در پشت خود به معنی نمود و کمال
 و بخت روز دوشنبه که که شروع شود عا
 و زنده و متعلق است

سند شماره ۹: نامه شیخ عباسعلی به آیت الله خمینی - ۱۳۴۳

نسخه محرمانه

از: ۳۱۲

گزارش

درباره: جامعه تعلیمات اسلامی

محترماً با استحضار میسراند:
 برادر بر سر این موجود جامعه تعلیمات اسلامی تحت نظارت شیخ عباسعلی فعالیت میبرد و
 است، یاد شده و یکی از روحانیون افراسی بود، که همواره ضمن سخنرانیها و خود در منابع
 سخنان تحریک آمیز و خلاف مصالح کشور را برادر می نمود و تاکنون سیزده بار را حصار روی نه کر
 داده شده و ولی یاد شده و توجیهی به این تذکرات نکرد. بنا بر این رتبه ۳۶/۸/۷
 برای همیشه ممنوع التشرکد بد است.
 از طرف جامعه مذکور رسال جاری تقویمی تهیه و توزیع و در دسترس اکثر دانش آموزان قرار
 داده شده که بر روی آن مکتب از مراسم حج و در بدل آن به ۵۲ از سوره فرقان چاپ شده که
 متن فارسی آن شرح زیر میباشد:
 "اگر افران اطاعت مکن و با آنها جهاد کن، جهاد بزرگ."
 ضحاک رقیوم مذکور رکار سالهای میلادی و شمسی و قمری، تاریخ شاهنشاهی نیز ذکر شده
 است.

کارمند بروسی - روحانی زاد

بکس د ایره بروسی - عباس

رئیس بخش ۳۱۲ - د بروی

رئیس اداری و تعلیمات و بروسی - طارو

۱۴۴۴

۱۸/۷/۵۷

نظر و امضاء و مهر و امضاء
 ۱۸/۷/۵۷

نسخه محرمانه

سند شماره ۱۰: ممنوع التشرکد بودن عباسعلی اسلامی

آیت‌الله بروجردی نیز با بنیان‌گذاران جامعه تعلیمات اسلامی، رابطه‌ای صمیمانه داشت. در ملاقاتی که هفتصد نفر از دانش‌آموزان شعبه‌های تعلیمات اسلامی قم همراه با اعضا و کارکنان مدارس در نیمه شعبان با ایشان داشتند، بیان کردند: «چقدر خوب بود که وزارت فرهنگ، همه دبستان‌های ما را مانند این آقایان بر وفق دستورات اسلام تشکیل می‌داد... تا اطفال مسلمان این کشور که مردان آینده هستند، از دین و حقیقت بهره داشته باشند» (دانش‌آشتیانی، ۱۳۳۱: ۱۴۲). در کنار ایشان، آیت‌الله سیدمحمدحسین خوانساری چون تشخیص داده بودند بزرگ‌ترین راه اصلاح جامعه توسعه و تقویت تعلیمات دینی و فرهنگی است، نسبت به جامعه تعلیمات، مساعدت ملی و معنوی داشتند (تعلیمات اسلامی، ۱۳۳۱، ش ۷: ۴)؛ اما باوجود فعالیت‌های سیاسی، حرکت اصلی جامعه تبلیغات اسلامی همچنان فعالیت فرهنگی بود که از دهه ۱۳۲۰ تا پس از پیروزی انقلاب اسلامی آن را دنبال کرد.

مبانی و اصول فکری

جامعه تعلیمات حذف اخلاق و دین را از نهاد آموزشی کشور، علت اساسی وضعیت نابسامان آموزش و پرورش کشور می‌دانست. با این نگاه تأسیس جامعه به مثابه یک کار فرهنگی تلقی می‌شد و از سیاست روزمره برکنار بود. لذا بانیان، نخستین شرط همکاری را عدم مداخله در سیاست‌های روزمره قرار دادند تا به گفته اعضای مؤسس «بداندیشان را مجال و تهمت افترا باقی نماند و نگویند که این عده نیز داعیه دارند و می‌خواهند به نام دین بر کرسی وزارت و وکالت مجلس تکیه زده و مقاصد و مطامع خود را تأمین نمایند» (گلشن، ۱۳۳۱: ۱۰). براساس خط‌مشی آنان، چون جامعه تبلیغات طرفدار هیچ سیاستی نبود، باید کلیه تبلیغات و اقداماتی که از طرف آن به عمل می‌آمد، طبق اوامر قرآن، سنن پیامبر (ص) و ائمه (ع) می‌بود. لذا افراد و کارمندان آن به هیچ وجه نباید در محل‌های وابسته به جامعه موضوعات سیاسی را مطرح می‌کردند. در غیر این صورت از طرف جامعه تذکر کتبی یا شفاهی دریافت می‌کردند و در صورت تکرار اخراج می‌شدند (ساکما، سند ۳۱۰۰۴۱۱۲). از نگاه آنان جامعه تعلیمات کاملاً مذهبی و فرهنگی بود و به هیچ یک از احزاب و دسته‌های سیاسی تعلق نداشت. روی این اصل امور تعلیماتی و تشکیلاتی جامعه عموماً روی موازین اجتماعی و نظارت عمومی جریان داشت و با استناد به ماده ۱۲ اساسنامه هیچ یک از افراد

هیئت مدیره به تنهایی، حق انجام امری را به نام جامعه نداشتند، مگر به موجب تصویب کتبی هیئت مدیره و داشتن اختیارنامه کتبی و نیز با استناد ماده ۱۷ اساسنامه هیچ امری به عنوان جامعه رسمیت نداشت مگر اینکه قبلاً در هیئت مدیره مرکزی مورد مشورت قرار گرفته باشد و با اکثریت آراء به تصویب رسیده باشد (تعلیمات اسلامی، ۱۳۳۱، ش ۱: ۳۵-۳۶ و ش ۲: ۳۷-۳۸).

فعالیت های فرهنگی - تبلیغی

بزرگ ترین رمز جامعه تعلیمات در دستیابی به موفقیت، در هم بستگی، انسجام اجتماعی، تعلیم و تربیت و مبانی فرهنگ غنی اسلامی نهفته بود. با وجود اینکه هر سه مؤلفه در پیشبرد اهداف این سازمان نقش ایفا می کردند، فرهنگ اسلامی به واسطه عمق تأثیرگذاری، نقشی برجسته تر در روند توسعه و تعالی سازمان ایفا نمود و به عنوان سرچشمه اصلی قدرت آن، به شمار می رفت (دانش آشتیانی، ۱۳۳۱: ۲۶). دلیل امر آن بود که جامعه از همان آغاز راه در پی آن بود که رونق ازدست رفته مساجد و منابر را بازگرداند و مدارس را براساس معارف دینی مستقر گرداند. آن ها سعی داشتند درخور نیازمندی های جهان آن روز به ویژه دنیای اسلام، رسایل، روزنامه ها و مجلات دینی را در دسترس عامه بگذارند. چون معتقد بودند محاربه با دین از طریق روزنامه ها، مجلات، کتاب، رادیو، سخنرانی و نفوذ در فرهنگ از طریق تدریس فلسفه و حکمت و تاریخ شروع شده و باعث گردیده تا نسل جوان از مبادی و اصول تربیت دینی محروم بماند و در معرض گمراهی قرار گیرد؛ بنابراین دعوت و تبلیغ اسلامی را باید با مقتضیات زمان وفق داد (جناب زاده، ۱۳۳۱: ۴-۵). با این نگاه آنان تمرکز خود را برای ارتقاء اوضاع و رسیدن به هدف مطلوب، بر نشر اسلام از طریق فعالیت های فرهنگی در قالب چاپ نشریات، کتاب و تأسیس مدارس زنجیره ای قرار دادند. در پی این هدف اولین فعالیت آن ها چاپ و انتشار ماهنامه ای با عنوان «جامعه تعلیمات اسلامی» به صاحب امتیازی «مرتضی ملکی» و مدیرمسئولی «حسینعلی گلشن» بود. این مجله که ناشر افکار جامعه تعلیمات بود به خاطر چاپ مقالات وزین و باارزش در ابعاد مختلف دینی، اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی، ادبی، اقتصادی، انتقادی و بهداشتی به سرعت مورد اقبال قرار

گرفت. هدف از انتشار مجله، تبلیغات دینی و مذهبی و هدایت و راهنمایی‌های افراد از نظر دین و مذهب و دانش و فرهنگ بود. روش مجله بحث در اصول عقاید، فروع دین، اخلاق اسلامی، تعلیم و تربیت، تاریخ انبیاء، مباحث اجتماعی، بهداشت، تاریخ انبیاء و اسلام، علوم جدید، نظم و نثر، امور مؤسسات جامعه و موضوعات متنوع دیگر بود. همه درآمد آن هم صرف تعلیم و تربیت دینی و فرهنگی می‌شد (تعلیمات اسلامی، ۱۳۳۱، ش ۱: ۳۹ و ۴۶-۴۷). در کنار انتشار مجله فوق، اسلامی دست به تأسیس کتابخانه، چندین دارالایتم، ساخت نزدیک به هشتاد مسجد و حسینیه و پایگاه مهم دینی، تدوین کتاب و جزوات درسی براساس اصول اسلامی زد (ادهم‌نژاد، ۱۳۸۶: ۱۱۸). در این زمینه از مهم‌ترین کتاب‌های وی «در اثبات وجوب حجاب در دین مبین اسلام» بود که در سال ۱۳۲۴ جامعه تعلیمات اسلامی آن را منتشر کرد. کتاب‌های «جهاد»، «راه حسین (ع)»، «دو ازیادرفته» (امر به معروف و نهی از منکر)، «طلایه‌دار فرهنگ اسلامی در عصر اختناق»^۱ نیز از دیگر آثار وی هستند (ساکما، سند ۲۹۱/۳۶۸۵ و rahe-hadi.ir بی‌تا)؛ اما جامعه برای چاپ نشریات و کتاب‌ها از آحاد جامعه درخواست کمک‌های مادی کرد و کمک به چاپ نشریات را مجاهدتی ضروری و وجوب آن را از نظر شرع و عقل مسلم می‌دانست. چون معتقد بود خودداری از کمک به مجلات مذهبی باعث قوت و سرعت انتشار کتاب‌ها و رساله‌های کفار می‌شود و سبب دگرگونی اوضاع می‌شوند (جناب‌زاده، ۱۳۳۱: ۴-۶).

در کنار فعالیت‌های انتشاراتی با توجه به این که در اساسنامه به روشنی بر تلفیق تعلیم و تربیت و دین و دانش تأکید شده بود، اسلامی با حمایت مراجع دینی و متمولان متدین، نخستین مدرسه دخترانه تهران را در خیابان ایران تأسیس کرد. او با پشتیبانی بازاریان و اقشار مذهبی تهران و شهرهای بزرگ کشور، به سرعت دامنه فعالیت‌های خود را گسترش داد و زنجیره مدارس اسلامی را با نام «جامعه تعلیمات اسلامی» بنا نهاد. به نحوی که جامعه تعلیمات صاحب بزرگ‌ترین مدارس غیردولتی در عصر پهلوی دوم شد (کریمی‌پور، ۱۳۸۳:

۱. این کتاب حاصل دست‌نوشته‌ها و خاطرات ایشان است که پس از رحلت وی، توسط فرزندش علی اسلامی، در بنیاد بعثت منتشر شد.

۹۴ و کرمی‌پور، ۱۳۸۱: ۵۸). تأسیس این مدارس که همراه با جذب افراد مؤمن و شیوه آموزشی متفاوت از دولت طاغوت بود، با استقبال گسترده عموم مردم متدین روبه‌رو شد. لذا عده‌ای از متدینین شهرها که عمدتاً بازاری و تاجر بودند، اقدام به تأسیس مدرسه‌ای تحت مدیریت شیخ عباسعلی کردند. مدارس مذکور با حمایت‌های گسترده علما و مراجعی چون: بروجردی، سیدمحمدتقی خوانساری، سیدصدرالدین صدر، حجت، فیض قمی، خمینی، حکیم، گلپایگانی، سیداحمد خوانساری، کاشانی، میلانی، مرعشی‌نجفی، بهبهانی و... نیز همراه بود. به دنبال حمایت مراجع، بسیاری از بازاریان متدین در حمایت مالی این مدارس نقش مؤثری ایفا کردند (ادهم‌نژاد، ۱۳۸۶: ۱۱۹). در این زمان علاقه‌مندی آیت‌الله بروجردی به تأسیس این‌گونه مدارس جدید، باعث شد تا اجازه دهند مبالغ زیادی از وجوه سهم امام صرف تأسیس بعضی دبستان‌ها و دبیرستان‌ها شود. در این راستا کمک‌های قابل توجهی از سوی ایشان به مدارس جامعه تعلیمات صورت گرفت (مطهری و دیگران، ۱۳۴۴: ۲۴۴-۲۴۶). اسلامی علاوه بر آموزش کتب رسمی، جهت ارتقای توان دینی و علمی مدارس خود، به برخی از شخصیت‌های برجسته حوزه و دانشگاه چون سید محمدحسین طباطبایی، محمدجواد باهنر و حسینعلی گلشن پیشنهاد تألیف کتاب داد، که به ترتیب کتاب «تعلیمات دینی» برای دانش‌آموزان سال‌های پنجم و ششم ابتدایی، کتاب «تربیت و تعلیم دینی» و کتاب «اخلاق اسلامی» توسط آن‌ها تألیف شد (ادهم‌نژاد، ۱۳۸۶: ۱۲۰).

این مدارس که براساس اصول و مبانی اسلامی در خارج از محدوده نظام آموزشی رسمی برای تربیت دینی جوانان و دانش‌آموزان و جذب اقشار تحصیل‌کرده مذهبی تأسیس شدند (کرمی‌پور، ۱۳۸۰: ۱۵ و ۸-۹). با توجه به انگیزه شیخ عباسعلی در تأسیس جامعه تعلیمات و رویارویی و مقابله با فرهنگ غیراسلامی آن دوره، او بر جداسازی مدارس دخترانه و پسرانه، آموزش قرآن و تعلیم اسلامی در کنار اصول و دروس علمی تأکید می‌کرد (کرمی‌پور، ۱۳۸۳: ۹۴).

در سال ۱۳۴۰ جامعه تعلیمات به منظور تقویت روحیه اسلام‌گرایی در دانش‌آموزان یکسری طرح‌ها را به شاه پیشنهاد داد. از جمله پیشنهادهای مهم آن‌ها وجود یک هیئت هفت نفری مرکب از سه نفر از نمایندگان انتخابی حوزه علمیه قم، دو نفر از نمایندگان وزارت فرهنگ

و دو نفر نماینده جامعه برای تدوین آیین‌نامه تفصیلی گروه دینی دوره ابتدایی و دوره متوسطه بود. آنان طی نامه‌ای به وزارت فرهنگ، پیشنهادهای خود را «پیروی از منویات ملوکانه» بیان کردند: «همان‌طور که کراماً... می‌فرمایند مخصوصاً بیانات حکیمانه که روز عید مبعث دایر بر تقویت روح ایمان و آموختن تعالیم عالیّه اسلام به دانش‌آموزان و دانشجویان بیان فرموده‌اند. تا اوامر ملوکانه راجع به لزوم تقویت دین حنیف اسلام که مبنی بر سعادت جامعه ایرانی است به‌موقع اجرا گذارده شود» (ساکما، سند ۲۶۹۸۱/۲۹۷).

[illegible]

درموقع تهیه پاسخ بحروف
میزه نیز اشاره فرماید



وزارت فرهنگ

اداره

شماره

تاریخ

شعبه

جناب آقای درخشش وزیر محترم فرهنگ

محترماً با تقدیم رونوشت از طرحی که اخیراً از طرف مدعیان آزادیان و پیران برای تجدید نظر در برنامه امتحانات دوره اول دبیرستانها تهیه شده، خاطرهای را مستحضرمیدارد. تعلیمات دینی در برنامه امتحانات سال ۱۳۴۰-۳۹ یک گروه مستقل و از سه درس قرآن-اصول عقاید فقه تشکیل میشد و در طرح جدید ضمیمه تعلیمات اجتماعی (مدنی و اخلاقی) شده و نیز درسی که سابقاً گروه مستقل بوده در این طرح جزء قرائت و دستور زبان فارسی قرار گرفته. بر جنبه‌های پوشیده نیست که امروز کشورهای آزاد جهان روح ایمان و دین داری را در پیمان افراد مملکت خود تقویت می‌کنند تا از شر فحشاءات مضره مصون بمانند. کشور ایران که آخرین و اعلی‌ترین ادیان آسمانی را دارد باید از آن بهره‌مند گردد و افراد کشور خصوصاً جوانان را با تعلیم و تربیت روش مالی و مقدس دین حنیف اسلام آشنا ساخته تا هم در حفظ و تقویت بنیان استقلال و حاکمیت مملکت اقدام شده باشد و هم امور کشور به دست افراد با ایمان تحصیل کرده سپرده شود. بنابراین پیروی از ضوابط ملوکانه که معظّم‌له‌حاشی و مشوقّ تعلیم و تربیت دینی هستند، نمی‌دارد مقرر فرمائید تعلیمات دینی و دینی‌گانی السابق و گروه مستقل باشند.

با تقدیم احترامات فائده

از طرف هیئت مدیره جامعه تعلیمات اسلامی

عباسعلی اسلامی

در موقع تهیه پاسخ به صرف
میزبانه نیز اشاره فرمائید



وزارت فرهنگ

اداره
شماره
تاریخ
ضمیمه

پیشنهادهای

- ۱- در دبستانهای درس شریعت از کلاس اول و درس قرآن از کلاس دوم شروع میشود و هر يك نمره مستقل دارند.
توضیح الف- در درس قرآن در کلاس دوم و سوم ابتدائی با بستن تمام پایه‌های تشخیص حرکات و حروف شناسی باشد تا در کلاسهای چهارم و پنجم و ششم به خوبی از عهد قرائت نما قرآن برآیند.
توضیح ب- امتحان شریعت و قرآن در کلاس اول تا پنجم شفاهی و امتحان شریعت در کلاس ششم ابتدائی هر دو یک حساب و هفتده و انشاء کتبی میباشد.
توضیح ج- حداقل نمره قبولی در درس قرآن و شریعت ده (پنجاه) و از ده تا هفت جد بد کنند و از هفت بیائین مرد بد کنند و است (ولو اینکه در سایر دروس معدل کل نمره قبولی داشته باشد).
۲- در امتحانات ابتدائی مقرر شده (بزرگسالان از شانزده سال به بالا) در درس قرآن شفاهی و در درس شریعت کتبی و حد تصاحب نمره قبولی پش پند یک میباشد.
۳- در دوره دبیرستان دروس دینی شامل قرآن و اصول عقاید و فقه میباشد و یک گروه مستقل را تشکیل میدهند.
توضیح الف- امتحان قرآن در تمام دوره دبیرستان شفاهی است و در دوره اول قرآن روخوانی و حافظه مراتب قرائت و تجوید است و در دوره دوم علاوه از برنامه دوره اول تفسیر (در حد دو برنامه) اضافه تدریس خواهد شد.
توضیح ب- در هر يك از رشته های تحصیلی دبیرستان مواد مذکور رتبه ۳ بخت خود باقی است.
توضیح ج- حداقل نمره قبولی در هر يك از دروس این گروه ۱۰ (پنجاه) میباشد و از هفت تا ده جد بدی و از هفت بیائین مرد بد کنند و است (ولو اینکه معدل کل و نمرات سایر دروس حد تصاحب برسد).
۴- يك هیئت فکری که مرکب از سه نفر نمایندگان انتخابی حوزه علمیه قم و دو نفر نمایندگان وزارت فرهنگ و در نظر نمایندگان جامعه تعلیمات اسلامی میباشد و مأمور شده بین آئین نامه تفصیلی گروه دینی دوره ابتدائی و دوره متوسطه خواهد بود.

دوموقع تهیه پاسخ بحروف
میزه نیز اشاره فرماید



وزارت فرهنگ

اداره _____
شماره _____
تاریخ _____
ضمیمه ۳ _____

موضوع الف - سه نفر نمایندگان هیئت علمی بهرامرجع تقلید و رقم معرفی می نماید و دو نفر نمایندگان

جامعه تعلیمات اسلامی را اداره جامعه تعلیمات اسلامی تهران معرفی خواهد کرد.

ب - بازرسی مذهبی و پستانها و دبیرستانهای مرکز مسجد و یک هیئت ۲۰ نفر بازرسی انتخابی هیئت

هفت نفره رند ۴ است که از کارمندان وزارت فرهنگ یا اشخاص واجد شرایط صلاحیت اراخان

انتخاب میشوند و حق الزحمه اشخاص خان بهمان محل وزارت فرهنگ تأمین میگردد هیئت مذکور از نظر

انجام تأمین بیت پرداخت خواهد شد.

موضوع الف - وزارت فرهنگ وسائل کار این هیئت به بازرسان راه زهرجیت تأمین می نماید.

موضوع ب هیئت هفت نفره ۴ زهر نظر مستقیم زیر فرهنگ انجام وظیفه می نمایند و جزئیات پسندگان

وزارت فرهنگ که تابع مقررات استخدامی هستند نمایندگان حوزه علمی و قسم رجاء تعلیمات -

اسلامی انتخابی و در حق الزحمه خواهند بود.

با تقدیم احترامات فائقه

از طرف هیئت مدیره مرکزی جامعه تعلیمات اسلامی

مها سعلی اسلامی



سند شماره ۱۵: علت طرح پیشنهادهای اسلامگرایی از سوی جامعه. ساکما، سند ۲۹۷/۲۶۹۸۱.

بنابر اسناد موجود جامعه تعلیمات در راستای گسترش طرح مدارس زنجیره‌ای، درخواست تأسیس مدارس چون دبستان جامعه تعلیمات اسلامی، دبستان دخترانه رضویه اسلامی و دبستان دخترانه صمدیه اسلامی را در تهران طی سال ۱۳۴۱ مطرح نمود (ساکما، سند ۲۹۷/۲۰۰۶۱، ۲۹۷/۱۹۹۷۴، ۲۹۷/۱۶۶۱۶). با تلاش در این مسیر جامعه در نهایت موفق شد اجازه تأسیس مدارس چون: دبیرستان پسرانه جامعه تعلیمات یزد را در سال ۱۳۴۱، دبستان و دبیرستان عباسیه اسلامی کرمانشاه و دبستان مهدیه مقدم کرج را سال ۱۳۴۲، دبیرستان

پسرانه صفا در تبریز را در سال ۱۳۴۶ و صدور امتیاز تأسیس مدارس ملی برای آموزگاران و گروه‌های فرهنگی و... را در مقاطع گوناگون در شهرهای مختلف کشور کسب کند (ساکما، سند ۲۹۷/۲۷۹۹۷، ۲۹۷/۱۸۹۱۰، ۲۹۷/۲۸۷۷۷، ۲۹۷/۱۵۳۸۰، ۲۹۷/۱۵۳۷۲، ۲۹۷/۱۴۱۱۳).

با این تلاش‌ها جامعه تعلیمات اسلامی در تهران و شهرستان‌ها دارای زنجیره‌ای از شعب و آموزشگاه‌های روزانه و شبانه پسرانه و دخترانه، کودکستان، دبستان و دبیرستان شد. به نحوی که در نهمین سال تأسیس، بیش از صد کودکستان، دبستان پسرانه و دخترانه و مدارس شبانه تأسیس شد و بیش از ۱۵ هزار دانش‌آموز چهارساله تا ۷۰ ساله در آن مدارس به تحصیل علوم دینی و فرهنگی اشتغال داشتند؛ اما نکته قابل توجه این بود که همچون نشریات، بودجه این تأسیسات به وسیله خیرخواهان و متدینین پرداخت می‌شد (دانشور، ۱۳۳۱: ۱۱). چون این اعتقاد وجود داشت که در وضعیت فعلی بهترین جهاد مالی آن است که ثروتمندان با تمام قوا برای تعلیم و تربیت دینی و فرهنگی یتیمان به تأسیس دارالایتام‌ها و مدارس همت گمارند. تا از این اطفال بی‌سرپرست توسط مربیان متدین، مردانی خدمتگزار برای کشور یا زنانی خانه‌دار و مربی، برای تربیت فرزندان لایق پرورش یابد. از نظر این دسته از فعالان فرهنگی هر قدر سطح معلومات جامعه بالا بود، عظمت آن روی به فزونی می‌نهد. مخصوصاً وقتی که آموزش و پرورش با دین و ایمان توأم باشد (گلشن، ۱۳۳۱: ۱-۳). تعداد این مدارس در طول حیات شیخ عباسعلی به بیش از ۱۸۳ باب در تهران و شهرستان‌ها رسید. اغلب مدرسان و معلمان مدارس از برجستگان فرهنگی و نویسندگان مذهبی بودند. طبق گزارش ساواک اغلب دانش‌آموزان این مدارس با رتبه‌های ممتاز در آزمون‌های دانشگاه‌ها پذیرفته شدند (ادهم‌نژاد، ۱۳۸۶: ۱۱۸)؛ اما با تمام موفقیت‌های این مدارس، آنان از سال ۱۳۳۴ به بعد به دلایلی چند همچون ورود و حضور ثروتمندان در هیئت‌مدیره، عدم رسیدگی دقیق به جریانات داخلی جامعه، اعدام فدائیان اسلام، دستگیری مکرر آیت‌الله کاشانی، پیروزی کودتاچیان، قدرت روزافزون حکومت در سرکوب اسلام‌گرایان و... از تاب‌وتوان اولیه افتادند. باین حال به علت اوضاع وخیم و فاسد مدارس دولتی هنوز مدارس جامعه به عنوان بهترین مدارس دینی قلمداد می‌شدند (کلهر، ۱۳۶۹: ۱۲۶). در نهایت تمایز مدارس جامعه

تعلیمات با مدارس دولتی، حکومت را نگران ساخت و آنان با تصویب قانون آموزشی رایگان در سال ۱۳۵۳ عملاً بسیاری از مدارس آن را ضبط و تحت نظارت خود درآوردند (کریمی پور، ۱۳۸۱: ۵۷).

گزارش

ردیف	شرح	تاریخ
۱	شماره ۱۶۰۰	۱۳۵۳/۱۲/۱۰
۲	از ۱۶۰۰	۱۳۵۳/۱۲/۱۰
۳	شماره گزارش	۱۳۵۳/۱۲/۱۰
۴	تاریخ گزارش	۱۳۵۳/۱۲/۱۰
۵	پرونده	۱۳۵۳/۱۲/۱۰
۶	گروه کار	۱۳۵۳/۱۲/۱۰

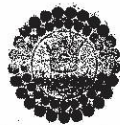
✓ **مردود**، کمیسیون رسیدگی به وضع مدارس
جامعه تعلیمات اسلامی
 ۱۳۵۳/۱۲/۱۰
 ۱۳۵۳/۵/۲۶

کمیسیون رسیدگی به وضع مدارس جامعه تعلیمات اسلامی مصححان و تدوین
 هر هفته و روزه فرهنگ کل استان تشکیل می شود و تعداد آن با توجه به جلد
 کتاب جامعه تعلیمات اسلامی که در مدارس آنان که ریز می شود به پیوست
 ایلام می گردد .

ملاحظات : و کتر جواب به هر کدام از این سوالات می باشد یکی از توضیحات گان این
 کتب است .

سید علی بن محمد
 ۱۳۵۳/۱۲/۱۰
 ۱۳۵۳/۵/۲۶

سند شماره ۱۶: کمیسیون رسیدگی به مدارس جامعه تعلیمات



جمهوری اسلامی ایران

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

سازمان اسناد و کتابخانه ملی

شماره
تاریخ
پوست

تهران ۱۳۵۲۰
مهرگان اطلاعات و کتابخانه

اداره کل علوم ۳۰۳۳

۲ دپارته جامعه تعلیمات اسلامی

بازگشت به ۲۳۸۸۱/۲۳۵۲۰ - ۳۶/۸/۱۸

اخیراً از طرف جامعه مذکور (شیخ عباسعلی اسلامی عضو هیئت رئیسه آن میباشد) در سال جاری تقویمی تهیه و توزیع و در سترس اکثر دانشگاهها و مراکز داده شده که بر روی آن عکسی از مراسم حج و زید آن آیه ۵۲ از سوره فرقان چاپ گردیده که متن فارسی آن به شرح زیر است:

"از کافران اطاعت مکن و با آنها جهاد کن و جهاد بزرگ"

بر این سوابق موجود و فعالیتهای جامعه مورد بحث در رسالههای اخیر محمد مهدود شری داشته بطوریکه تقریباً بحالت رکود درآمده بود. جامعه مذکور بانی و مبتکر تاسیس مدارس دخترانه اسلامی بود و فعالیتهای مدارس مذکور باعث ایت وند توان این جامعه انجام میگرفت، لیکن بعد از رایگان شدن تحصیلات و واگذاری مدارس مذکور به وزارت آموزش و پرورش فعالیتهای جامعه مورد بحث محدود گردید و از صورت سابق خارج شد

با توجه به موارد بالا خواهشمند است دستور فرمائید آخرین وضعیت جامعه مذکور در روبرو قلمروهای آن را روشن و نتیجه را باین اداره کل اعلام دارند.

مدیرکل اسناد و کتابخانه ملی
۱۳۵۲/۲۳۵۲۰ - ۳۶/۸/۱۸

مستول بررسی - خواهشمند است
رئیس د اداره اسناد و کتابخانه ملی
۱۳۵۲/۲۳۵۲۰ - ۳۶/۸/۱۸

عطار

سند شماره ۱۷: نظارت بر فعالیت مدارس جامعه تعلیمات

اتحادیه مسلمین (اتحادیه مسلمین ایران) و مبانی فکری - فرهنگی آنها

اتحادیه مسلمین در سال ۱۳۲۴ توسط حاج مهدی سراج انصاری و جمعی از دوستان وی در تهران تشکیل شد؛ اما فعالیتش را به صورت جدی از اوایل سال ۱۳۲۹ آغاز کرد و به تدریج آن را در سایر شهرها گسترش داد. این تشکل به دنبال انحلال «جمعیت مبارزه با

بی‌دینی»^۱ تشکیل گردید. با انحلال جمعیت مذکور، حاج سراج تلاش کرد با تأسیس سازمانی با وظایف گسترده‌تر علاوه بر کار فرهنگی و اجتماعی، دغدغه مسائل جهان اسلام را منعکس کند. او به وحدت مسلمانان و حل مشکلات آنان علاقه داشت و در پی آن بود با تشکیل اتحادیه مسلمین ریشه اندیشه‌های استعمارگران را از کشورهای اسلامی محو کند. چون معتقد بود «امروز موقع منازعه شیعه و سنی نیست و مسلمین دنیا بیش از هر چیز، به اتحاد نیازمندند؛ بنابراین علما و دانشمندان فریقین باید بکوشند و وسایل محبت را میان افراد مسلمین فراهم آورند» (سراج‌انصاری، ۱۳۸۵ ق: ۱۵۵ و ۱۵).

حاج سراج با تشکیل اتحادیه ریاست آن را برعهده گرفت و در کنار وی جمعی از نویسندگان مذهبی معروف چون: سرهنگ اخگر، آیت‌الله طالقانی، سیدغلامرضا سعیدی، نصرت‌الله نوریانی، میرزا عبدالحسین شوشتری، عطاءالله شهاب‌پور، صدرالدین نصیری، محمدی اردهالی، شیخ‌مهدی شریعتمداری، سیدابراهیم انگجی، سیدمرتضی خلخالی، صباح کازرونی و بدرالدین نصیری اعضای هیئت‌مدیره آن را تشکیل دادند (جعفریان، ۱۳۸۲: ۲۵). البته برخلاف نامش، اتحادیه مسلمین هیچ‌گاه ترکیبی از گروه‌ها یا احزاب و دسته‌ها نشد، چون منظور از ترکیب در آن تأکید بر جنبه‌های وحدت و یکپارچگی مسلمانان بود (کرمی‌پور، ۱۳۸۳: ۹۸). در این تشکل ایجاد وحدت ملی اسلامی، رفع نفاق و از میان‌بردن تیرگی‌ها، هماهنگ‌کردن گروه‌ها و تشکلهای اسلامی و حفظ شئون دینی در سطح عمومی جامعه از اهداف اصلی بود (حسینیان، ۱۳۸۱: ۴۶۳). باتوجه به اینکه یکی از اهداف مهم گروه‌های فعال در صحنه سیاسی ایران در دهه ۱۳۲۰ جذب جوانان و توجه‌دادن آنان به اندیشه‌ها و آرمان‌های خود بود، اتحادیه مسلمین نیز درصدد جلب جوانان به اصول و تعالیم اسلامی برآمد. از این رو انصاری در ۲۸ فروردین ۱۳۳۱ تأسیس سازمان جوانان مسلمین را به

۱. حاج سراج جمعیت مبارزه با بی‌دینی را در سال ۱۳۲۳ با همراهی جمعی از علما و متدینین تهرانی چون نواب‌صفوی در تهران تشکیل داد. رسالت اصلی این جمعیت، پاسخ‌گویی به آثار و نوشته‌های کسروی، خنثی‌کردن فعالیت‌های او و مبارزه با بهائیان بود (امینی، ۱۳۸۱: ۸۹). جمعیت مذکور که اهمیت آن در بسترسازی و هموار ساختن راه برای تشکیل اتحادیه مسلمین بود، با اعدام انقلابی کسروی در اسفند ۱۳۲۴ فلسفه وجودیش را از دست داد (مظفری، ۱۳۸۵: ۶۶).

هیئت مدیره پیشنهاد داد که به اتفاق آراء مورد پذیرش قرار گرفته و ولی الله یوسفیه ریاست آن را برعهده گرفت (کرمی پور، ۱۳۸۳: ۱۰۰).

مبانی و اصول فکری

اتحادیه مسلمین در اساسنامه خود اسلام را دین واسطه خوانده بود که هم بر آزادی فرد و هم منفعت اجتماع استوار شده است؛ به گونه ای که تأمین سعادت و آسایش بشر را هم از وجهه فردی و هم از لحاظ اجتماعی تثبیت و تضمین کرده است. بنابراین وظیفه اتحادیه اثبات حقانیت دین اسلام در برابر ایدئولوژی ها و مکاتب فکری بود که در آغاز دهه ۱۳۲۰ با تبلیغات گسترده و با امکانات فراوان توانسته بودند در مراکز فرهنگی از قبیل دانشگاه ها، آموزشگاه ها و حتی مراکز کارگری رخنه کنند و طرفداران فراوانی از میان آن ها در اختیار گیرند (کرمی پور، ۱۳۸۳: ۹۹). هدف اتحادیه در فضای سیاسی آن روز همچون سایر جریانات به نوعی کنترل مسائل مذهبی جامعه بود (جعفریان، ۱۳۹۱: ۶۲-۷۲). آنان این هدف را با جدیت علاوه بر تهران با تأسیس شعباتی در حدود بیست شهر دیگر ادامه دادند که این امر نفوذ آنان را در میان مردم گسترش داد (مظفری، ۱۳۸۵: ۶۶ و ۲۴-۲۹).

2198-23

سند شماره ۱۸: گزارش گسترش فعالیت اتحادیه در مناطق مختلف

مبارزه با مظاهر بی‌دینی و اجرای قوانین اسلامی و آموزش اصول اسلامی و مفاهیم آن، تلاش در برقراری قانون مجازات اسلامی و عدم حذف دروس و برنامه‌های دینی از دانشگاه‌ها و مدارس کشور (کرمی‌پور، ۱۳۸۳: ۱۱۱)، فداکاری در راه استقلال کشور و تمامیت ارضی ایران تحت لوای اسلام، جلوگیری از هرگونه نفوذ و مداخلات بیگانگان و مبارزه با عوامل آنان، تقویت غرور دینی و شخصیت‌های اخلاقی و معنوی افراد ازجمله فعالیت‌های قابل توجه آنان در این عرصه بود؛ اما این تشکل به مسائل جهان اسلام توجه ویژه داشت و از کلیت اسلام و جوامع اسلامی دفاع می‌کرد (جعفریان، ۱۳۸۲: ۲۵۴ و جعفریان، ۱۳۹۱: ۸۷۶)؛ اما با تمام اهداف فرهنگی که با محوریت دین اسلام برای اتحادیه تعریف شده بود، انصاری در تصمیمات سیاسی اتحادیه تأثیرات قاطع و غیرقابل انکاری داشت؛ چنان‌که بیشتر اعضای هیئت‌مدیره کارکرد اتحادیه را فعالیت‌های دینی دانسته و

خواستار عدم دخالت در مسائل و جریان‌های سیاسی گردیدند؛ اما حاج سراج با استدلال‌هایش اعضا را قانع کرد تا در برابر اتفاقات سیاسی موضع روشنی اتخاذ کنند (کرمی‌پور، ۱۳۸۳: ۱۰۲). وی معتقد به دخالت مستقیم دین در سیاست بود و دین را وسیله‌ای برای اصلاح جامعه و فرد می‌دانست. او به جریانی تعلق داشت که ضمن انتقاد از وضع موجود، به‌نوعی به بازاندیشی در فکر دینی و ضرورت اصلاح مذهبی پایبند بود و راهی برای تغییر سیاسی و اجتماعی بر مبنای شریعت فراهم می‌کرد (فیرحی، ۱۳۹۳: ۱۱۰). بر مبنای این استدلال با شروع نهضت ملی نفت اتحادیهٔ مسلمین به فعالیت‌های خود شتاب بیشتری داد و پیرامون مسائل سیاسی موضع صریحی در پیش گرفت. سپس در جریان استعفای دکتر مصدق و انتصاب احمد قوام، به پیروی از آیت‌الله کاشانی از مصدق حمایت کرد. البته کوشش‌های مصدق در مسئلهٔ نفت و مخالفت با سیاست استعماری انگلیس در این پشتیبانی بی‌تأثیر نبود. حتی با بازگشت وی به قدرت مذاکراتی پیرامون چگونگی ائتلاف گروه‌ها با همراهی اتحادیه صورت گرفت؛ اما با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تحقق ائتلاف فوق‌ناکام ماند. از فعالیت اتحادیهٔ مسلمین پس از ۱۳۳۵ گزارش و سندی در دست نیست؛ به‌نظر می‌رسد در نتیجهٔ انسداد فضای سیاسی جامعه مجال برای فعالیت آن باقی نماند و در نهایت از ادامهٔ فعالیت‌های خود بازماند (کرمی‌پور، ۱۳۸۳: ۱۰۲-۱۰۶). اگرچه اتحادیهٔ مسلمین همچون سایر نهادهای مذهبی هم‌عصر خود، ریشه‌های خود را در بسترهای فرهنگی و مذهبی می‌دواند و توسعهٔ فعالیت‌های فرهنگی را در زمرهٔ اهداف بنیادین خود قرار داده بود، اما در مواجهه با فضای متلاطم سیاسی دههٔ ۱۳۲۰، استراتژی متفاوتی را اتخاذ کرد. در بُعد سیاسی، اتحادیه حضور به‌مراتب پررنگ‌تری نسبت به دو نهاد دیگر به نمایش گذاشت؛ و تا سرحد امکان، از فضای باز سیاسی پس از شهریور ۱۳۲۰ بهره برد و در تحولات کشور مداخله کرد. این مداخله صرفاً واکنشی نبود، بلکه مبتنی بر یک درک عمیق از شرایط بود. در نتیجه، اتحادیهٔ مسلمین موفق شد جایگاه تأثیرگذار خود را نه‌تنها در حوزهٔ تعلیم و تربیت، بلکه به‌طور مستقیم در مدیریت و هدایت افکار عمومی در مواجهه با بحران‌های ملی، تثبیت کند.

فعالیت‌های فرهنگی - تبلیغی

اتحادیهٔ مسلمین از هر نوع حرکت فرهنگی برای تقویت موقعیت اسلام حمایت می‌کرد. در این مسیر آن‌ها با استفاده از سه ابزار چاپ نشریات و کتاب، تشکیل تجمع، مجالس سخنرانی و بحث و گفتگو و درنهایت نامه‌نگاری‌های گسترده با مسئولان ارشد داخلی و خارجی، سعی در پیشبرد اهداف خویش داشتند. در این زمینه مهم‌ترین ابزار کار اتحادیه باتوجه به آشنایی و علاقه‌مندی حاج سراج در عراق به فعالیت‌های مطبوعاتی، در وهلهٔ اول استفاده از نشریات بود. پرداختن به مشکلات دنیای اسلام و انعکاس آن‌ها در دو نشریهٔ «دنیای اسلام» و «هفته‌نامهٔ مسلمین» از مهم‌ترین اقدامات اتحادیه بود. مجلهٔ دنیای اسلام به مدیریت «سیدمحمدعلی تقوی» در ۲۰ مهر ۱۳۲۵ آغاز به کار کرد و تا سال ۱۳۲۸ چاپ شد. حاج سراج خود نویسندهٔ ثابت و همیشگی نشریه بود و مقالاتی چون «از خواب غفلت بیدار شوید»، «اسلام و تحزب»، «ما نه اهل چپ هستیم نه اهل راست...»، ازجمله مقالات وی در دنیای اسلام بود که سیاسی‌تر از مقالاتش در دیگر نشریات بود. انصاری مطالب دنیای اسلام را در منزل شخصی خود تهیه می‌کرد. بدین‌وسیله بسیاری از شعارها و اعلامیه‌های اتحادیهٔ مسلمین در دنیای اسلام به چاپ می‌رسید (نوریانی، ۱۳۲۸: ۲-۵).

نشریهٔ دیگر هفته‌نامه «مسلمین» بود که در سال ۱۳۲۸ مجوز آن به نام انصاری صادر شد. این نشریه با انتشار چند دورهٔ متوالی حاوی مقالات دینی - سیاسی و خبری دربارهٔ دشواری‌های جهان اسلام بود و ارگان رسمی اتحادیه محسوب می‌شد (یوسفی‌اشکوری، ۱۳۷۶: ۱/۱۸۴). چنان‌که در قضیهٔ استعمار فرانسه در مراکش و الجزایر با چاپ اطلاعیه‌ای اقدامات فرانسه را در این دو کشور غیرانسانی و برخلاف شعار آزادی‌خواهانه‌ای دانست که سال‌هاست فرانسوی‌ها آن را علم کرده‌اند. اتحادیهٔ مسلمین اعمال فرانسه را زشت و نکوهیده بیان کرد و ضمن اعتراض شدید به این اعمال، از جنایات دولت فرانسه اظهار نفرت نمود و توجه سازمان ملل متحد و قاطبهٔ ملل آزادی‌خواه را به این موضوع جلب نمود (مسلمین، ۱۳۲۸: ۱۷). پس از کودتا یک یا دو شمارهٔ دیگر هفته‌نامهٔ مسلمین تا سال ۱۳۳۵ منتشر شد و در این سال اجازهٔ انتشار آن برای همیشه توسط دولت لغو شد. در کنار انتشار مجلات مذکور، حاج سراج برای هماهنگ کردن مطبوعات دینی و همچنین جذب سرمایه به

این حوزه، کوشید «شرکت سهامی مطبوعات دینی» را تأسیس کند، اما شرکت یادشده نتوانست به بار بنشیند (نوریانی، ۱۳۲۸: ۲-۵). وی علاوه بر نشر مقالات در نشریات مختلف کتاب‌ها و آثار قلمی چون «نبرد با بی‌دینی»، «شیعه چه می‌گوید؟»، «دین چیست و برای چیست؟»، «قهرمانان میدان‌های تاریخ اسلام»، «دفاع از شیعه‌گری»، «رشید در پایتخت رشید»، «در پیرامون ماتریالیسم»، «تدوین تاریخ اسلام» (با مرگ او ناتمام ماند) و... را تألیف نمود (hawzah.net، ۱۴۰۰: ۲۱).

چنان‌که گفته شد، اتحادیه مسلمین با فرارفتن از حوزه محدود مسائل داخلی، مسائل جهان اسلام همچون مسائل مسلمانان هند و پاکستان، فلسطین، مراکش، اندونزی و الجزایر را در دستور کار خود قرار داد. از این رو در جنگ اول فلسطین (۱۹۴۸م)، در یکی از روزهای اردیبهشت ۱۳۲۷ دفتری در ساختمان خود برای نام‌نویسی داوطلبان جنگ با اسرائیل راه‌اندازی کرد. سپس نمایندگانی از سوی اتحادیه با سفرا و کارداران اسلامی عربستان، لبنان و سوریه در تهران ملاقات کردند و پیرامون این موضوع به گفتگو نشستند (کرمی‌پور، ۱۳۸۳: ۱۰۷). پس از آن برحسب دعوت قبلی، در دهم خرداد ۱۳۲۷ وزرا و کاردارهای سفارتخانه‌های دول اسلامی در دفتر اتحادیه حضور به‌هم رسانیدند. در این روز تجمع باشکوهی تشکیل شد که بالغ بر شش هزار نفر در آن حضور داشتند. آیت‌الله بهبهانی، جمعی از نمایندگان مجلس، مدیران و خبرنگاران روزنامه‌ها هم حاضر شدند. در این تجمع نصرت‌الله نوریانی بیان داشت که تاکنون دو هزار نفر برای شرکت در نبرد فلسطین تنها در اتحادیه مسلمین ثبت‌نام کرده‌اند. درنهایت این تجمع طی بیانیه‌ای پشتیبانی کامل مسلمانان ایران را از دولت‌های عربی نسبت به قضیه فلسطین اعلام داشتند. باین‌حال دولت مانع از اعزام این افراد برای رفتن به فلسطین شد (ساکما، سند ۲۹۳/۵۶۲۶، شماره بازیابی ۱۴۲۱۵/۱۲). علاوه بر این، حاج سراج همراه با سیدغلامرضا سعیدی، در تشکیل دومین مؤتمر اسلامی که با حضور علمای ایران، پاکستان و هند در سال ۱۳۳۰، در تهران برگزار شد، نقش فعال داشت و توانست حمایت‌های نظری را با اقدامات عملی، محقق کند. در این زمان شعبه‌های اتحادیه در شهرستان‌های مختلف جلسه‌های هفتگی برقرار می‌کردند و درباره مسائل سیاسی بحث و گفتگو می‌کردند و در صورت توافق اکثریت اعضا پیرامون یک

موضوع، اقدام عملی لازم صورت می‌گرفت. این جلسه‌های هفتگی که در بسیاری از موارد به تجمع یا تجمعات گسترده اعتراض‌آمیز شباهت داشت، نقش مهمی در افزایش آگاهی و انسجام مردم ایفا می‌کرد (کرمی‌پور، ۱۳۸۳: ۱۰۲).

از اقدامات مهم دیگر اتحادیه نامه‌نگاری به شخصیت‌ها و مسئولان برجسته برای رفع مشکلات بود. از آنجا که مبارزه با فعالیت بهائیان و گماشتن آنان در مناصب دولتی از جمله اقدامات مهم آنان بود، اتحادیه در نامه‌ای به محمود حکیمی نخست‌وزیر وقت در ۲۳ اسفند ۱۳۲۶ شکایت عده‌ای از کارگران راه‌آهن را از تبلیغات بهائیان منتقل کرد. این‌که بهائیان با کمک هم‌کیشان خود در محیط کارگری دست به تبلیغات مسموم می‌زنند و می‌خواهند تولید فساد نموده و شورش به پا کنند. لذا از حکیمی می‌خواهد که جلوی تبلیغات بهایی‌ها گرفته شود چون کارگران به‌خاطر این تبلیغات می‌خواهند دست به اعتصاب بزنند تا این‌گونه تحریکات به پیشامدهای ناگوارتری منجر نگردد (ساکما، سند ۳۸۳۴/۳۱۰۰). آنان همچنین در دی ۱۳۲۹ با نوشتن نامه‌ای به رزم‌آرا نخست‌وزیر وقت از اخراج بهائیان از ادارات دولتی تشکر کرده و خواستار استمرار این حرکت شدند. از دیگر نگرانی‌های اتحادیه حذف دروس و برنامه‌های دینی از دانشگاه‌ها و مدارس کشور بود. پیرو این هدف در دی ۱۳۲۶ هم‌نوا با اعتراض مراجع و روحانیان بزرگ کشور در مورد فضای فرهنگی مراکز آموزشی و فقدان تعلیم دینی در آن‌ها اقدام به نامه‌نگاری‌هایی با مقامات عالی‌رتبه کردند و درخواست گنجاندن درس تعلیمات دینی و آموزش نماز به دانش‌آموزان را با جدیت مطرح ساختند. این تلاش‌ها با همکاری دیگر نیروهای مذهبی به‌ویژه آیت‌الله بروجردی به ثمر نشست. نامه‌نگاری‌های گسترده با مسئولان ارشد مملکت و حمایت بسیاری از نیروهای فرهیخته دینی از آنان برای تحقق این طرح نوعی احساس مشترک در عناصر دینی به وجود آورد به‌گونه‌ای که در دیگر درخواست‌های دینی انسجام و هماهنگی بیشتری از خود به نمایش گذاشتند (کرمی‌پور، ۱۳۸۳: ۱۱۱-۱۱۲).

مقرر عرض شد: اولاً شماره: ۱۳۱۹ در نخست تیرماه از طرف کابینه امضاء شد و در روز ۱۳ تیرماه در مجلس شورای ملی تصویب شد و در روز ۱۳ تیرماه در مجلس شورای ملی تصویب شد و در روز ۱۳ تیرماه در مجلس شورای ملی تصویب شد.

[illegible]

اما از اهم اطلاعاتی‌های جمعیت، پیام تبریک به مناسبت بازگشت آیت‌الله کاشانی از تبعید لبنان در سال ۱۳۳۸ بود (ساکما، سند ۱۴۱۰۰/۹۹۹). اتحادیهٔ مسلمین ضمن حل مسائل داخلی، دامنهٔ فعالیت خود را از جمله نامه‌نگاری در قضیهٔ نفت را به خارج از مرزهای ایران کشانید. چنان‌که در حمایت از ملی‌شدن صنعت نفت در نامه‌ای خطاب به ریاست شورای امنیت نوشت: «اتحادیهٔ مسلمین ایران که نمایندهٔ قاطبهٔ مسلمین این کشور است از پیشگاه شورای امنیت جداً خواستار است که نظر نمایندهٔ ایران را دایر بر عدم صلاحیت آن شورا در

قضیه نفت تأیید فرمایند». آنان طی تلگرافی به ریاست شورای امنیت که مسئله کشمیر به آن ارجاع داده شده بود، درخواست کردند تا قضیه کشمیر که سالهاست موجبات نگرانی عالم اسلام را فراهم کرده است، هرچه زودتر به طرز عادلانه‌ای به وسیله مراجعه به آرای عمومی حل و فصل گردد (کرمی پور، ۱۳۸۳: ۱۰۲).

جمع‌بندی

با تبعید رضاشاه از کشور، جریان اسلام‌گرا که پیش‌تر سرکوب‌شده بود، از این فرصت بهره برد و فعالیت خود را در اشکال مختلف از تشکیل جمعیت‌ها، احزاب، اتحادیه‌ها، انجمن‌ها تا انتشار نشریات گسترش داد. جریان اسلام‌گرا در عرصه حیات مجدد خود با شعار احیای دین و مقابله با زوال مذهبی وارد میدان شد تا ضمن بازگرداندن شعائر دینی و اشاعه آداب و سنن متداول به بازتعریف نقش دین در ساختار اجتماعی و سیاسی آینده کشور بپردازد؛ اما فعالیت‌های این طیف در دهه ۱۳۲۰ یکپارچه نبود، بلکه در دو محور متفاوت، اما مکمل سیاسی و فرهنگی سازماندهی شد. در محور سیاسی حضور فعال اسلام‌گرایان در کنار نیروهای ملی‌گرا وزن سیاسی آن‌ها را افزایش داد؛ اما در محور فرهنگی در قالب تشکیل انجمن تبلیغات اسلامی، جامعه تعلیمات اسلامی، اتحادیه مسلمین فعالیت‌هایش را گسترش داد. این محور، به جای تقابل مستقیم با دولت، بر تأسیس نهادهای زیربنایی تمرکز کرد که برای تبلیغ دین و سازمان‌دهی پایگاه اجتماعی ضروری بود تا بدین‌وسیله ضمن بازنمودن عرصه جدیدتری در حوزه دیانت اجتماعی و فعالیت سیاسی، از یکسو به جدال با قدرت سیاسی حاکم و مبارزه با استعمار بیگانه و از سوی دیگر مبارزه و رویارویی با فضای غیرمذهبی و ضد دینی آن دوره بپردازد. نگاهی گذرا به روزنامه‌های این دوره نشان می‌دهد که گفتمان مسلط به‌ویژه در میان گروه‌های روشنفکر و تحصیل‌کرده فاصله‌ای عمیق، بلکه گاه تضادی آشکار با آموزه‌های دینی داشت. در مواجهه با این فضا، فعالیت اسلام‌گرایان که برای دین در عرصه فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی وزنه‌ای سنگین قائل بودند، با تشکیل انجمن‌ها و اتحادیه‌های مذکور و چاپ کتاب و انتشار نشریات اسلامی قابل توجه و مهم بود. این تشکلهای با اولویت‌دادن به فعالیت‌های فرهنگی سعی کردند تا درخور نیازمندی‌های جهان آن روز به‌ویژه دنیای اسلام رسایل، روزنامه‌ها و مجلات دینی را در دسترس عامه قرار دهند و دعوت و تبلیغ اسلامی را با مقتضیات زمان وفق دهند تا بدین‌وسیله ضمن احیای آداب و سنن بی‌رونق مذهبی، به مقابله با اشکال مختلف بی‌دینی و جدال با استبداد و استعمار بپردازند. آنان تلاش کردند تا دین را نه صرفاً مجموعه‌ای از مناسک، بلکه نظامی جامع برای فهم جهان و فعالیت سیاسی معرفی کنند. به‌طور کلی

تشکل‌های دهه ۱۳۲۰، با تفکیک وظایف میان عمل سیاسی (فدائیان اسلام) و کار عمیق فرهنگی - اجتماعی (انجمن‌ها)، استراتژی بقا و گسترش را به‌شکلی مؤثر پیاده‌سازی کردند. این دوره، آغاز دیانت اجتماعی سازمان‌یافته در ایران مدرن بود؛ دیانتی که توانست فاصله روشنفکران با دین را با ابزارهای مدرن ارتباطی (نشریات و سازمان‌ها) کاهش داده و پایگاه مردمی خود را برای کنش‌های سیاسی آینده مستحکم سازد.

منابع

الف) کتاب‌ها

۱. امام خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۸). *صحیفه امام*، ج ۱، تهران: عروج.
۲. امینی، داوود (۱۳۸۱). *جمعیت فدائیان اسلام و نقش آن در تحولات سیاسی اجتماعی ایران*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳. بازرگان، مهدی (۱۳۷۵). *شصت سال خدمت و مقاومت*، تهران: رسا.
۴. بازرگان، مهدی (۱۳۸۷). *مقالات اعتقادی و اجتماعی، مجموعه آثار (۱۶)*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۵. جعفریان، رسول (۱۳۸۲). *حاج سراج انصاری ستاره‌ای درخشان در عرصه مطبوعات دینی*، تهران: مؤسسه اطلاع‌رسانی اسلامی مرجع.
۶. جعفریان، رسول (۱۳۹۱). *جریان‌ها و جنبش‌های مذهبی سیاسی ایران*، تهران: علم.
۷. حسینیان، روح‌الله (۱۳۸۱). *نقش فدائیان اسلام در تاریخ معاصر ایران*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۸. دارابی، علی (۱۳۹۰). *جریان‌شناسی سیاسی در ایران*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۹. سراج‌انصاری، مهدی (۱۳۴۴). *شیعه چه می‌گوید؟ با اصلاحات سیدهادی خسروشاهی*، چ ۳، تبریز: کتاب‌فروشی بنی‌هاشمی.
۱۰. عنایت، حمید (۱۳۸۰). *اندیشه سیاسی اسلام معاصر*، تهران: خوارزمی.
۱۱. فوزی، یحیی (۱۳۸۸). *اندیشه سیاسی در ایران بعد از اسلام*، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۱۲. فوزی، یحیی (۱۳۸۸). *تحولات سیاسی - اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران*، تهران: عروج.
۱۳. فیرحی، داود (۱۳۸۳). *فقه و سیاست در ایران معاصر*، ج ۲، تهران: نشرنی.

۱۴. کرمی‌پور، حمید (۱۳۸۰). *جامعه تعلیمات اسلامی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۱۵. مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات (کتابخانه شماره دیجیتال)؛

<https://historydocuments.org/sanad/?page=search>

۱۶. مطهری، مرتضی و دیگران (۱۳۸۶). *مرجعیت و روحانیت*، تهران: شرکت سهامی انتشار.

۱۷. مظفری، آیت (۱۳۸۵). *جریان‌شناسی سیاسی ایران معاصر*، قم: زمزم هدایت.

۱۸. مقصودی، مجتبی (۱۳۸۶). *تحولات سیاسی، اجتماعی در ایران (۱۳۲۰-۱۳۵۷)*، تهران: روزنه.

۱۹. نجاتی، غلامرضا (۱۳۷۳). *تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران*، تهران: رسا.

۲۰. یزدی، ابراهیم (۱۳۸۶). *روشنفکری دینی و چالش‌های جدید*، تهران: کویر.

۲۱. یوسفی اشکوری، حسن (۱۳۷۶). *در تکاپوی آزادی*، ج۲، تهران: قلم.

ب) اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی (ساکما): سند شماره ۹۱/۲۸۰/۹۹۵، سند شماره ۲۴۰/۱۱۵۲۹۰، سند شماره ۲۹۱/۳۶۸۵، محل در آرشیو آج ۲ غ ۶۰۶، سند شماره ۲۹۳/۵۶۲۶، شماره بازیابی ۱۲/۱/۱۴۲۱۵. محل در آرشیو ۱۲۹ ف ۵ ب آ ۱، سند شماره ۲۹۷/۱۴۱۱۳ محل در آرشیو آ ۱۲۰، سند شماره ۲۹۷/۱۵۳۷۲، محل در آرشیو آ ۲ ز ۶۰۷، سند شماره ۲۹۷/۱۵۳۸۰، محل در آرشیو آ ۲ ز ۶۱۵، سند شماره ۲۹۷/۱۶۶۱۶، محل در آرشیو آ ۴ ژ ۴۱۲، سند شماره ۲۹۷/۱۸۹۱۰، محل در آرشیو آ ۲ ش ۴۲۳، سند شماره ۲۹۷/۱۹۹۷۴، محل در آرشیو آ ۲ ص ۲۳۰، سند شماره ۲۹۷/۲۰۰۶۱، محل در آرشیو آ ۲ ص ۷۰۹، سند شماره ۲۹۷/۲۶۹۸۱، محل در آرشیو آ ۳ غ ۸۳۱، سند شماره ۲۹۷/۲۷۹۹۷، محل در آرشیو آ ۲ ف ۳۳۱، سند شماره ۲۹۷/۲۸۷۷۷، محل در آرشیو آ ۴ ف ۷۱۱، سند شماره ۹۹۹/۱۴۱۰۰، سند شماره ۳۱۰۰/۳۸۳۴، سند شماره ۳۱۰۰/۴۱۱۲.

ج) نشریات

۱. آیین اسلام، «از ماست که بر ماست: اسلام را مسلمان‌نماها به این روز انداخته‌اند»، سال اول، ش ۳۱، ۱۳۲۳، ص ۱.
۲. آیین اسلام، «انجمن تبلیغات اسلامی رساله اسرار هزارساله را رد می‌کند»، ش ۵، ۱۳۲۳، ص ۷.
۳. آیین اسلام، «قوانین سیاسی باید از احکام دینی الهام بگیرد»، س ۱۲، ش ۱۰، ۱۳۳۳، ص ۳.
۴. آیین اسلام، سال اول، ش ۵، ۱۳۲۳، ص ۲-۶.
۵. آیین اسلام، سال سوم، ش ۳۷، ۱۳۲۵، ص ۱-۳.
۶. تعلیمات اسلامی، «اساسنامه جامعه تعلیمات اسلامی»، س ۱، ش ۱، ۱۳۳۱، ص ۳۵-۳۶.
۷. تعلیمات اسلامی، «اساسنامه جامعه تعلیمات اسلامی»، س ۱، ش ۲، ۱۳۳۱، ص ۳۷-۴۰.
۸. تعلیمات اسلامی، «فقدان تأثرآور»، س ۱، ش ۷، ۱۳۳۱، ص ۱۲۳-۱۲۴.
۹. تعلیمات اسلامی، س ۱، ش ۱، ۱۳۳۱، ص ۴۶-۴۷ و ۳۹-۴۰.
۱۰. جناب‌زاده، محمد، «روش تبلیغ»، تعلیمات اسلامی، س ۱، ش ۱، ۱۳۳۱، ص ۴-۶.
۱۱. دانش‌آشتیانی، ابوالقاسم، «آیت‌الله‌العظمی چه فرمودند؟»، تعلیمات اسلامی، س ۱، ش ۵، ۱۳۳۱، ص ۱۷-۱۸.
۱۲. دانش‌آشتیانی، ابوالقاسم، «فرهنگ اسلامی»، تعلیمات اسلامی، س ۱، ش ۳، ۱۳۳۱، ص ۲۶-۲۷.
۱۳. دانشور، مهدی، «با من به مدارس جامعه تعلیمات اسلامی بیایید»، تعلیمات اسلامی، س ۱، ش ۱، ۱۳۳۱، ص ۱۰-۱۱.
۱۴. سراج‌انصاری، مهدی، «نام اسلام را خوار نکنید»، آیین اسلام، س ۲، ش ۴، ۱۳۲۴، ص ۵-۷.

۱۵. شهاب پور، عطاءالله، «پیرامون اتحاد نوع بشر»، نور دانش، س ۹، ۱۳۳۳، ص ۴۳-۴۴.
۱۶. قلمداران، حیدرعلی، «اختیار دین مهم‌ترین نیازمندی طبیعی و روحی است»، نور دانش، س ۳، ش ۳، ۱۳۲۷، ص ۱۱۱-۱۱۵.
۱۷. گلشن، حسینعلی، «جامعه تعلیمات اسلامی چگونه به وجود آمد؟» تعلیمات اسلامی، س ۱، ش ۱، ۱۳۳۱، ص ۸-۹.
۱۸. گلشن، حسینعلی، «جهاد با مال و جان»، تعلیمات اسلامی، س ۱، ش ۶، ۱۳۳۱، ص ۱-۳.
۱۹. مسلمین، «همدردی اتحادیه مسلمین ایران با مسلمین مراکش»، س ۱، ش ۱، ۱۳۲۸، ص ۱۷.
۲۰. ملکی معیری، علی، «یگانه راه اصلاح»، تعلیمات اسلامی، س ۱، ش ۱، ۱۳۳۱، ص ۲۷.
۲۱. نور دانش، «اتحاد موجب قدرت است»، س ۱۱، ۱۳۳۵، ص ۱۸۲.
۲۲. نور دانش، «اعلامیه جهانی شماره یک شعبه انجمن تبلیغات اسلامی در پاریس»، س ۵، ۱۳۲۹، ص ۴۴۴.
۲۳. نور دانش، «بزرگ‌ترین اقدام انجمن تبلیغات اسلامی»، س ۵، ۱۳۲۹، ص ۴۳۰.
۲۴. نور دانش، «بهترین کاری که می‌توان کرد؟»، س ۶، ۱۳۳۰، ص ۲-۸.
۲۵. نور دانش، «قانون اسلام و مدنیت»، س ۵، ۱۳۲۹، ص ۵۲.
۲۶. نور دانش، «وظیفه اصلی انجمن تبلیغات اسلامی»، س ۵، ۱۳۲۹، ص ۴۴۶-۴۴۷.
۲۷. نور دانش، س ۲، ش ۲، ۱۳۲۶، ص ۵.
۲۸. نوریانی، نصرت‌الله، «پایان پنجمین سال دینی و اجتماعی ما؛ آخرین تصمیم و طرز انتشار روزنامه آیین اسلام در سال ششم»، آیین اسلام، ش ۲۲۳، ۱۳۲۸، ص ۲-۵.
۲۹. نوریانی، نصرت‌الله، «پایان سال سوم روزنامه آیین اسلام»، آیین اسلام، ش ۵۲، ۱۳۲۵، ص ۲.
۳۰. نوریانی، نصرت‌الله، «تبلیغات خطرناک»، آیین اسلام، س ۱، ش ۵، ۱۳۲۳، ص ۱-۳.

۳۱. نوربانی، نصرت‌الله، «نفوذ بی‌دینی در کشور ایران»، **آیین اسلام**، ش ۱۸۱، ۱۳۲۶، ص ۱-۱۹.

۳۲. یزدی، ابراهیم، «آزادی پادزهر استبداد»، **ماهنامه آفتاب**، س ۳، ۱۳۸۲، ش ۳۲.

(د) مقالات:

۱. ادهم‌نژاد، محمدتقی (۱۳۸۶). «شیخ عباسعلی اسلامی، مبلغ نواندیش»، **مجله مبلغان**، ش ۹۸، ص ۱۱۶-۱۲۲.

۲. حاضری، محمدعلی و حاجی‌هاشمی، مرضیه (۱۳۹۶). «ردیابی اندیشه انقلاب اسلامی در جریان‌های فکری سیاسی دهه ۱۳۲۰»، **فصلنامه جامعه‌شناسی تاریخی**، دوره ۹، ش ۱، ص ۴۳.

۳. کرمی‌پور، حمید (۱۳۸۱). «جامعه تعلیمات اسلامی پیش‌زمینه تأسیس دانشگاه اسلامی»، **فصلنامه دانشگاه اسلامی**، س ۶، ش ۱۵، ص ۵۷.

۴. کرمی‌پور، حمید (۱۳۸۳). «اتحادیه مسلمین»، **فصلنامه مطالعات تاریخی**، ش ۵، ص ۹۱-۱۱۴.

۵. کلهر، مهدی (۱۳۶۸). «تاریخچه مدارس جامعه تعلیمات اسلامی (۱)»، **مجله یاد**، ش ۱۸، ۱۳۶۸، ص ۱۲۵-۱۲۶.

۶. کلهر، مهدی (۱۳۶۹). «تاریخچه مدارس جامعه تعلیمات اسلامی (۲)»، **مجله یاد**، ش ۱۹، ۱۳۶۹، ص ۱۲۶.

(ه) رساله

۱. باوریان، فریده، **بازشناسی فکری - سیاسی جریان روشنفکری دینی لیبرال در ایران ۸۰-۱۳۲۰**، رساله دکتری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بوعلی‌سینا، ۱۳۹۵.

و) سایت های فارسی

۱. تأسیس ۱۸۰ مدرسه مذهبی در تقابل با تهاجم فرهنگی، سایت راه

هادی (بی تا)؛

<https://www.rahe-hadi.ir/fa/others>

۲. حاج مهدی سراج انصاری، پایگاه اطلاع رسانی حوزه (۱۴۰۰/۱۰/۲۱)؛

<https://hawzah.net/fa/Mostabser/View/63943/>